

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۷۲ / سال هشتم / مهر ماه ۹۷ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



هشتمین سال انتشار نشریه کارگری پیام سندیکا، پیام آور سندیکا‌های کارگری، بر جنبش سندیکایی تهنیت باد!

سلام، سلام سندیکا

سندیکانین پیامی	یئنه قاپئنی دؤیدو
ای جانیمین دوامی.	سلام، سلام سندیکا
داماریمدا قانیم دا	دینم ده ایمانیم دا
سندیکانین مرامی.	مسلکیم، مرامیم دا
قارانلیغین چیراغی	بوگونونومون دایاغی
سندیکانین قیامی	صاباحیمین بایراغی

ترجمه:

به خانه ام آمد پیام آور سندیکا، سلام سلام سندیکا، قدرت دهنده جانم
دینم و ای ایمانم، همچو خون در رگهایم، ای مسلک و مرامم، مرام من
سندیکا است.

تکیه گاه امروزم، چراغ شب های تارم، ای پرچم فردایم، تلاش های سندیکا

کارگرفلزکار شاعیر ذوالفقار کمالی

خشونت محکوم است!



حمله تروریستی به رژه نیروهای نظامی که باعث کشته شدن ۲۵ تن و زخمی شدن ۶۰ نفر از هموطنان خوزستانی گردید است جز دامن زدن به جو ارباب و خشونت نتیجه دیگری در پی نخواهد داشت.

آزادی و عدالت با کشتن انسانهای بی دفاع محقق نمی شود . بی تردید مردم خوزستان با مشکلات عدیده ای همچون آلوده گی هوا، بی آبی، بسته شدن صنایع ، بیکاری و فقر دست به گریبان هستند اما هرگز خشونت را چاره کار نمی دانند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران کشته شدن هموطنانمان را به خانواده های آنان تسلیت گفته و همدردی خود را با این عزیزان اعلام می کند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۳۱ شهریور ۱۳۹۷

به کشتار خانواده های کارگری پایان دهید!

نوسانات نرخ ارز که بصورت لجام گسیخته، و بدلائل سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی، باعث کاهش ارزش پول و به تبع آن ایجاد تورم در کشور شده؛ تاثیر مخربش را بیش از همه، بر روی قشر مزدبگیر و زحمتکش جامعه گذاشته است.

تعیین میزان افزایش حداقل دستمزد، برای سال ۹۷ به نوعی مطابق با نرخ تورم و قیمت ارز سال ۹۶ بوده است و عملاً شاهد این موضوع بوده ایم که نرخ ارز از ابتدای سال جاری، افزایش پنجاه و سپس ۱۰۰ و اکنون نزدیک به رشد ۴۰۰ درصدی رسیده است. به تبع این افزایش، قیمت اجناس و کالاها نیز تورم سرسام آوری داشته اند. این روند را مقایسه کنید با افزایش بیست درصدی (در کل) حقوق زحمتکشان که همینگونه عملاً زیرخط فقر و فلاکت هستند. در سال ۹۶ یک کارگر، ماهانه ۲۷۰ دلار درآمد داشت و امروز این درآمد به مرز ۹۰ دلار رسیده است. هر عقل سلیم و آگاهی، قطعاً این نابرابری اقتصادی را نمی پذیرد و بر نمی تابد.

اگر سوای افزایش نرخ ارز، که دولت مقصر اصلی این ماجراست، قرار بر تعادل در بازار و اقتصاد باشد و به تبع آن، تولیدکنندگان و تجار، قیمت اجناس و تولیدات خود را افزایش داده اند، این روند تعادلی و افزایش قیمت نیز بایستی در مورد دستمزد زحمتکشان و کارگران مزدبگیر هم اجرا شود. متأسفانه یکی از مسببین این آشفته بازار اقتصادی که عرصه را برای جولان دادن دلالان باز می کند، برنامه های غلط دولت در مواجهه با رانت، مافیای مالی، و عدم بر خورد با اختلاس و چپاول گران است. دولت بایستی چاره ای عاجل بیندیشند تا مزدبگیران که در پایین ترین دهک های درآمدی زیر بار وضعیت پیش آمده به ستوه آمده اند، به اندکی از مطالبات خود دست یابند. نداشتن یک برنامه ی راهبردی صحیح از سوی تیم اقتصادی دولت موجب

کوچک تر شدن سفره های زحمتکشان شده است. به نظر می رسد برنامه های خصوصی سازی و گردن نهادن به دستورات صندوق بین المللی پول و نیز سیاستهای خارجی، نتایج خودش را نشان داده ولی هنوز دولتمردان نمی خواهند باور کنند .

این در حالی است که سرکوب و دادگاهی کردن کارگران فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه، هپکو اراک و اعضای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران با قوت و شدت پیگیری می شود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران نیز بعنوان بخشی از بدنه ی زحمتکش جامعه، خواستار رسیدگی سریع به این موضوع و خواهان بازنگری مجدد در افزایش دستمزدها و برنامه های اقتصادی به سود زحمتکشان می باشد.

با توجه به ایجاد موانع بسیار برای کنش گری تشکل های مستقل کارگری و جلوگیری از فعالیت آزادانه این تشکل ها، بدیهی است که از نمایندگان کارگران در شورای عالی کار، خواستار پیگیری جدی این موضوع باشیم تا آرامشی نسبی به وضعیت معیشتی مزد بگیران برگردد.

کشتار خانواده های کارگری تنها به گلوله بستن آنان نیست، گرانی و عدم تطابق وضعیت دستمزدها با گرانی و کوچک شدن سفره های کارگران، کشتار بدون خونریزی است و این یک قتل عام دولتی علیه کارگران است و بی تردید اعتراضات کارگری را در پی خواهد داشت

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۸ شهریور

برخوردهای پلیسی - امنیتی - قضایی با اعتصاب کامیون داران را محکوم می‌کنیم!

از روز یکم مهر ماه دور سوم اعتصاب کامیون داران و رانندگان کامیون در بسیاری از شهرهای کشور شروع شده است. به رغم این که دولت در اعتصاب‌های پیشین که از یک سال گذشته آغاز شده است، وعده داده بود که خواسته‌های آنان را محقق می‌کند، اما در عمل فقط کرایه بار به میزان ناچیز افزایش یافت. که با توجه به سقوط شدید ارزش پول ملی و گران شدن شدید مایحتاج زندگی، همچنین گران شدن چند برابری لاستیک و لوازم یدکی، معیشت آنان بهبود نیافته و خواسته‌های اصلی آنان که حداقلی‌ترین حق شان می‌باشد، تامین نشده است. نظیر: افزایش درآمد برای تامین معیشت، لوازم یدکی و لاستیک، پذیرش سخت و زیان‌آوری شغل شان و بازنشستگی پیش از موعد، حذف دلالان و واسطه‌ها از چرخه بارگیری که باعث کاهش درآمدشان شده و ایجاد استراحتگاه مناسب در طول راه‌ها

طی اعتصاب اخیر برخوردهای پلیسی - امنیتی - قضایی با اعتصاب رانندگان کامیون بسیار تشدید شده و تعداد زیادی از آنان را نیز بازداشت و زندانی کرده‌اند. تعداد بازداشت‌شدگان بنابر اخبار رسمی بیش از ۱۵۰ تن می‌باشد. و حتی مسئولین عالی قضایی رانندگان را تهدید به صدور حکم اعدام کرده‌اند؛ در حالی که اعتصاب، اعتراض و گردهمایی حق مسلم کارگران و زحمت‌کشان برای احقاق حقوق خود می‌باشد.

ما تشکلات مستقل کارگری، بازنشستگان، فعالان حقوق صنفی کارگری و معلمان حمایت خود را از اعتصاب حق طلبانه کامیون داران و رانندگان کامیون اعلام می‌کنیم و خواهان برآورده شدن فوری خواسته‌های آنان می‌باشیم. همچنین مقابله پلیسی-امنیتی-قضایی با اعتصاب کامیون داران و

رانندگان کامیون را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان و منع تعقیب و تهدید دستگاه قضایی در قبال آنان می باشیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه

گروه اتحاد بازنشستگان

جمعی از فعالان صنفی معلمان ایران

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۱۰ مهر ماه ۱۳۹۷

**جنبش کارگری بر پایه برابری، آزادی و همبستگی
زحمتکشان پایه‌ریزی می‌شود تا بر این روند ویران
کننده اخلاق، فرهنگ و اقتصاد که از جانب
سرمایه‌داری تحمیل می‌شود، نقطه پایان بگذارد.**

«حمایت سندیکای کارگران شرکت واحد از اطلاعیه فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل در حمایت از اعتصاب کامیونداران»

اطلاعیه " فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل ITF"، در حمایت از اعتصاب کامیون داران در ایران

فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (آی.تی.اف) نگرانی خود را درباره برخورد دولت ایران با کامیون داران اعتصابی که در هفته ی دوم اعتصاب خود هستند را اعلام میدارد. (دوم اکتبر ۲۰۱۸ - دهم مهرماه ۱۳۹۷)

آی.تی.اف (فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل)، عمیقاً درباره اخبار منتشره مبنی بر دستگیری تعدادی زیادی از رانندگان در ایران نگران شده است. حدود یکصد و پنجاه راننده به علت مشارکت در اعتصاب در شهرهای مختلف دستگیر شده اند که سخنگوی دستگاه قضایی آنها را تهدید به مجازات های سنگین کرده است. نگرانی جدی تر این است که آی.تی.اف با خبر شده است که محمد جعفر منتظری، دادستان کل ایران پیشنهاد داده است که افرادی که دست اندرکار راه اندازی اعتصاب بوده اند به اعدام محکوم خواهند شد زیرا که تهدیدی برای امنیت ملی بوده اند. این اظهار نظر وی توسط روحانیون دیگری نیز پوشش داده و تکرار شده است. نونل کوآرد مسوول امور حمل و نقل زمینی در فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، اظهار میدارد: "ما عمیقاً نگران این اوضاع هستیم. بگذارید خیلی واضح اعلام کنیم که تمامی اتحادیه های حمل و نقل که زیر مجموعه ی کنفدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل هستند به صورت جهانی همبستگی خود را اعلام خواهند کرد و همراه و در کنار کامیون داران در ایران در مبارزه شان برای کسب مطالبات کارگری خود خواهند بود" رانندگان درباره دستمزدهای بسیار کم و پرداخت نشده، قیمت بالای قطعات (منجمله تایر) و افزایش عمومی قیمت ها به علت اوضاع رو به وخامت اقتصاد در کل کشور، به اعتراض دست زده اند. تصاویر منتشر شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که صدها کامیون در تهران، اصفهان، زرین شهر، دورود، اراک، مرودشت، گرمسار، زرنده، کاشان، مرند، بندرعباس، و مشهد، به اعتراض متوقف شده و دست از حرکت برداشته اند.

گرامیداشت شروع دوباره سال تحصیلی و محکومیت احکام زندان دانشجویان و معلمان

شروع دوباره دانش اندوزی و علم پروری را با آرزوی پیروزی و کامیابی برای دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و اساتید گرامی می داریم. متأسفانه گرانی سرسام آور و تورم افسارگسیخته و چندین برابر شدن هزینه های زندگی در ماههای اخیر همچنین گسترش پولی سازی آموزش، باعث باز ماندن از تحصیل بیش از پیش تعداد بسیاری از دانش آموزان و دانشجویان از طبقه کارگری و فرودست جامعه شده است. در حالیکه دولت باید بر اساس قانون اساسی آموزش و پرورش همگانی تا پایان دوره متوسطه را برای همه مردم فراهم کند. اما با ایجاد مدارس غیر انتفاعی، نمونه دولتی، هیات امنایی و ... هزینه آموزش و پرورش را به مردم تحمیل کرده و کم کیفیت ترین آموزش را نصیب فرزندان طبقه فرودست و کارگر شده است. و حتی برای همین آموزش کم کیفیت نیز شهریه های سنگین برای ثبت نام دریافت می شود. و مسئولین بجای پاسخ گویی به مردم بی شرمانه دریافت شهریه ثبت نام و هزینه تحصیل را انکار می کنند.

با اعتراضات کارگران، معلمان و دانشجویان و توده های مردم به شرایط اسف بار موجود، با خشونت رفتار شده و تعدادی از دانشجویان و چند تن از معلمان حق طلب با احکام سنگین در زندان هستند و تعداد زیادی از دانشجویان نیز پس از دوره ای بازداشت موقت و بازجویی با تودیع وثیقه آزاد شده اند و احکام سنگین زندان برایشان صادر شده است. همچنین تعداد دیگر از دانشجویان با احکام کمیته انضباطی دانشگاه محروم از تحصیل هستند. البته دلیل این احکام ظالمانه همراهی دانشجویان شورای صنفی دانشجویی با اعتراضات بحق مردم نسبت به گرانی، مبارزه دانشجویان با طرح کارورزی که نتیجه این طرح غارت مردم می باشد و در سال های بعد از تحصیل،

گریبان دانشجویان را خواهد گرفت. و همچنین اتحاد طبقاتی دانشجویان با کارگران و معلمان و شرکت در اعتراضات کارگران و معلمان، حتی دلجویی و سرکشی از خانواده های کارگران و معلمان زندانی بوده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه پولی سازی افسار گسیخته آموزش، و برخوردهای پلیس _ امنیتی _ قضایی با فعالان صنفی دانشجویان، معلمان و کارگران را محکوم می کند و خواهان آموزش رایگان مطابق قانون اساسی برای همه مردم و آزادی فوری و بی قید و شرط فعالان صنفی دانشجویان، معلمان و کارگران می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۳۹۷ مهر ۱

**سجایای انسانی ثمره محیط است. سندیکاهای کارگری
برای انسانی کردن جامعه خواستار: تحصیل رایگان،
بهداشت رایگان و فراگیر و دستمزدی که بتوان یک
خانواده ۴ نفری را سرپرستی و اداره کرد می رزمند!**

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



کارگران ذوب آهن از مشکلاتشان به خبرنگار پیام سندیکا می گویند:



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

- ۱- کارگران قرارداد مستقیم از مدیریت مالی خواستار صدور گواهی نامه کسر از حقوق برای وام های خود هستند
- ۲- شیرآلات قسمت های مختلف کارخانه خراب بود و چکه می کنند که باید سریع تعویض شوند. از جمله در رختکن نورد
- ۳- کارگران خواستار تحت پوشش قرار گرفتن پدران و مادران پیر تحت تکفل خود برای بیمه تکمیل درمان هستند.

۴- با توجه به وضعیت بد سرویس های حمل و نقل و عدم امکانات رفاهی مناسب در این سرویس ها از جمله صندلی های خراب و فرسوده، عدم نظافت و کثیفی در، بدنه داخلی سرویس، و شیشه ها از مدیریت می خواهیم که بازدیدهای مرتب با بازه زمانی کمتر را داشته باشند تا سرویس های حمل و نقل کارگران در حد نام و شخصیت کارگر ذوب آهن باشد

۵- در شرکت شایع است که تعاونی مسکن در نظر دارد قیمت خانه های پروژه های ۵۷ واحدی واقع در خیابان باهنر اصفهان را افزایش دهد. مگر چند دفعه باید برای یک پروژه قرارداد امضا کرد؟ آیا تعاونی مسکن می تواند پول دریافتی از کارگران را نادیده گرفته قیمت خانه ها را بالا ببرد؟

۶- چرا خاموت مورد نیاز واحدهای بسته بندی نوردهای ۶۵۰ و ۵۰۰ تهیه و در اختیار قسمت مربوطه قرار نمی گیرد؟

۷- کارگران تعمیرکار ماشین آلات سنگین خواستار حل مشکل سختی کارشان توسط مدیریت هستند. تا کی می توانی این موضوع را نادیده گرفته پشت گوش بیاندازی؟

۸- رفتگران می گویند: سطل زباله های کنار خیابان های اصلی و فرعی به اندازه کافی وجود ندارد و نظافت خیابان ها را با مشکل روبرو ساخته است.

۹- پرداخت هزینه دندان پزشکی برای ایمپلنت کردن دندان کارگران و کارکنان ذوب آهن در سال ۹۷ - ۲ واحد و برای کل خدمت ۴ واحد است. آیا با ۴ دندان ایمپلنت شده در طول عمر مدیران خود می توانند زندگی کنند که برای کارگران هم دستور صادر کرده اند. این در حالی است که با کوشش و ابتکار ما هر روز هزینه های شرکت کاهش می یابد. از جمله در همین هفته (اواسط شهریور) تعویض چشمه های حفاظتی ایزوتوپ سطح پایین تچ گاه ۱ و ۲ (کوره های آهک) بدون هیچگونه هزینه ای انجام شد. آیا نباید صرفه جویی در هزینه ها بخشی هم برای رفاه حال کارگران اختصاص یابد؟

۱۰- کارگران قرارداد موقت خواستار فراهم شدن شرایط برای گرفتن وام مسکن هستند

۱۱- چرا کارگرانی که در آزمون استخدامی سال ۸۹ پذیرفته شده اند تبدیل وضعیت نمی شوند

۱۲- توزیع غذا در شیفت ها با مشکلات فراوانی روبروست رسیدگی شود

۱۳- شهرک واحد وضعیت بسیار نامطلوبی دارد و کارگران خواستار رفع مشکلات این شهرک هستند

۱۴- کارگران خواستار محاسبه جمعه کاری و پرداخت مبلغ آن هرچه سریعتر هستند

۱۵- جمع آوری ۳ هزار کیلو ضایعات فلزی از محوطه ذوب آهن. اینها سرمایه ای هستند که باید مدیریت شود

۱۶- اوایل مرداد ۲ گروه کوهنوردی ذوب آهن برای گرامیداشت مربی و بنیان گذار گروه کوهنوردی ذوب آهن ، زنده یاد قادر عظیمی، به قله الوند گلپایگان و توچال تهران صعود کردند.

۱۷- سرویس حمل و نقل مسکن شهرضا و راننده مربوطه در حد شخصیت کارگران ذوب آهن نیست. لطفن رسیدگی شود

۱۸- سرویس مسیر تولیدات کک و مواد شیمیایی اصلن رضایت بخش نیست.

۱۹- کارگران از راننده سرویس ملک شهر راضی نیستند و وضعیت این سرویس افتضاح است.

۲۰- رانندگان لیفتراک از کار در مدیریت فولاد سازی و عدم هماهنگی کار محوله و سختی کار مربوطه با دستمزدها شکایت ناراضی بوده و اعلام کردند از سال ۹۶ افزایشی در دستمزدها صورت نگرفته است

۲۱- بوفه های سطح شرکت از نظر بهداشتی بسیار افتضاح هستند و مدیریت رسیدگی نمی کند.

۲۲- خودپرداز های دستگاه بانک ملی ساختمان های ۸ - ۷ مدت هاست کار نمی کنند و کسی هم رسیدگی نمی کند. با تعمیر این خودپردازها خانواده های کارگری آسایش بیشتری خواهند داشت.

۲۳- چرا داروهای خاص و خارجی نباید تحت پوشش بیمه ایران باشد تا بازنشستگان ذوب آهن دوران پیری را راحتتر بگذرانند؟

۲۴- هزینه خرید دارو و ویزیت به بیمه ایران داده شده ولی در پرداختش تعلل می کنند چرا؟

۲۵- تاخیر در بیمه تکمیل درمان نوزادان برای کارگران مشکلات ایجاد کرده است لطفاً رسیدگی شود.

۲۶- بیمه ایران هزینه اقداماتی که در مطب پزشکان انجام می شود را تقبل نمی کند چرا؟؟ چرا مدیران رسیدگی نمی کنند؟

۲۷- برای راحتتر شدن مراجعه به پزشکانی که با بیمه ایران قرارداد دارند لطفاً نامشان و شماره تلفنشان را در تابلو اعلانات بگذارند تا کارگران ذوب آهن سرگردان نشوند.

۲۸- با توجه به درخواست های مکرر کارگران ذوب آهن از مدیریت برای پاداش های دوره ای و انتشار آن در گزارشات خبرنگاران ما در ذوب آهن بالاخره مدیریت ذوب آهن در نشست تعاملی با مدیران به این موضوع اشاره کرد و قول داد که منافع شرکت از سود حاصله از آن به کارگران برخواهد گشت. اما موضوع اصلی که ایشان به آن اشاره ای نکردند اول: نحوه محاسبه اینگونه پاداش ها و چگونگی تخصیص آن است و دیگری مقدار و مبلغ و زمان تعلق گرفتن پاداش مربوطه به کارگران است

گزارشات کارگران از پروژه های نفتی



۱- شرکت کاله در عراق

شرکت کاله به پیمانکاری محمد محمد دوست که در عراق مشغول فعالیت است در حق کارگرانش اجحافات بیشماری را روا داشته است. این پیمانکار که بیش از ۲۰ کارگر را به خدمت گرفته است با اتمام کار بدون اینکه با کارگرانش تسویه حساب کند با دادن درصد ناچیزی از حقوقشان به ایران برگشته و گوشی خود را هم خاموش کرده است. محمد دوست اسم نفراتی که پول از ایشان طلبکارند را در گوشی اش بلک لیست کرده است.

اکثر کارگران به امید دریافت حقوق بالا به این پروژه رفته و بدون قرارداد کار کرده اند. کارگران با گرفتن ویزای زیارتی بدون حق بیمه و سایر مسایل رفاهی و فقط به امید حقوق بیشتر تن به این کار دادند.

پس از اتمام کار ایشان اعلام کردند که در کارش متضرر شده است و از حقوق همه کارگران ۵۰۰ هزار تومان کسر کرد. پول ویزای کارگران را هم نپرداخته است. کارگران این پیمانکاری بیش از ۶۰ درصد از حقوقشان را طلبکارند و دسترسی به این پیمانکار بد حساب ندارند

گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از همه کارگرانی که ایشان را می شناسند درخواست می کند آدرس این پیمانکار را به ما اعلام کند تا خانواده های کارگری به حقوق شان دست یابند.

همچنین گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از همه کارگران می خواهد این پیمانکار بدحساب را تحریم کرده و به دیگر کارگران اطلاع رسانی کنند.

۲- نیروگاه گل گهر سیرجان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا کارگران نیروگاه گل گهر سیرجان از وضعیت غذا بسیار ناراضی بوده و به کارگران بیش از یک هفته است که شام هم داده نمی شود. ساعت کار در این نیروگاه روزانه ۱۳ ساعت است.

پایه حقوق جوشکار برق آرگون که می باید ۶ میلیون باشد در اینجا ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. سختی کار این جوشکاران زمانی است که بخواهند در هارپ یک پاس جوشکاری کنند آنهم میان پشم شیشه که هم باعث آتش سوزی و هم به لحاظ تنفسی بسیار سخت و طاقت فرسات.

دوستان کارگر، این پروژه از اول تیرماه تحت تحریم کارگری گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران قرار دارد.

۳- پروژه های نفتی از زبان کارگران

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا با وجود گرمای بیش از ۵۰ درجه در پروژه های نفتی کارگران از حداقل امکانات و پرداخت به موقع دستمزد شکایت دارند.

ما کارگران موسسه عمران ساحل هستیم. از مردادماه تا الان کیفیت و کمیت غذا و سرویس ایاب و ذهاب کارگران بسیار بی نظم و بدون مدیریت بوده و

کیفیت خوابگاه ها بسیار پایین و بدون امکانات هست. به برادران کارگر توصیه می کنیم برای این شرکت کار نکنند. هر چند حقوق را بموقع پرداخت می کند ولی دلیلی نمیشود که امکانات رفاهی کارگران رو کم کنند. البته اگر مدیریت گروه پایپینگ و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران لازم می دانند این شرکت را هم به شرکت های تحریمی اضافه کنند. تا کارگران از کار برای اینگونه شرکت ها که برای کارگران اهمیت قایل نیستند به خود آیند و کارگران هم دلیل تحریم را بدانند

۴- پروژه نفت ستاره خلیج

پتروشیمی نفت ستاره خلیج یکی از بدترین مجتمع های کارگری است. در کمپ هایش سگ های ولگرد در تمام پیاده رژه می روند. از مدفوع سگ ، محل کار کارگران بوی تعفن گرفته و آلوده است و کارگران مرتب بیمار می شوند. بهداشت زیر صفر و کارگرانش مثل فیلم هندی به دنبال اتوبوس سرویس می دوند. در این گرمای بالای ۵۰ درجه صد نفر کارگر در یک اتوبوس بدون کولر برای کار راهی می شوند. آیا واقعن ارزش کارگر این است؟ تازه حقوق شش ماه یک بار میدهند و در قرارداد با کارگر قید می کنند که حق اعتراض هم ندارد.

با توجه به این بد رفتاری ها و بی قانونی های مکرر که در این پروژه اتفاق می افتد کارگران گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران تصمیم به تحریم کارگری این پروژه گرفته است و از سال قبل از کارگران خواسته اند به این تحریم کارگری پیوسته تا بهبود وضعیت دستمزدها و رفاهی کارگران برای کار به این پروژه نروند.

تداوم مواضع کارفرما طی اعتصاب کارگران شرکت کانی مس، مجتمع مس سرچشمه



پیرو درج خبر اعتصاب کارگران شرکت کانی مس، که عمومن بومی هستند و مشغول به کار در پروژه ی تیکنر های طرح جامع آب واقع در مجتمع مس سرچشمه، و بنا به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در این محل، پس از اعتصاب کارگران برای دریافت برخی مطالبات به حق خود و بازداشت و آزاد شدن ۳ نفر از نمایندگان مطالبه گران، ۳ نفر از پرسنل این شرکت به جرم نمایندگی کارگران و پیجویی مطالبات ایشان، از کار اخراج گردیدند. از میان نفرات ذکر شده ۲ نفر شان از نمایندگان شورای کارگری بوده اند. قابل تاکید است که کلیه نفرات معترض شامل ۱۰۴ نفر بوده و تا کنون هیچ یک از مطالبات درخواستی خود در ارتباط با تغییر وضعیت، اضافه کار و سختی کار را کماکان دریافت ننموده اند.

قابل ذکر است که با توجه مشکلات جذب نیرو در منطقه و بی کاری فراگیر در کشور، کارفرما بدون توجه به مطالبات کارگران و با توسل به ارباب و تهدید پرسنل به اخراج و برخورد امنیتی، سعی در سرکوب این درخواست ها دارد.

گزارشگر پیام سندیکا- مجتمع مس سرچشمه

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت اسفالت طوس



شرکت آسفالت طوس

مدیریت ارشد شرکت بیستون شکوه پارسه پیمانکار شرکت آسفالت طوس شمالی و جنوبی بیمه تامین اجتماعی کارگران را تاکنون نریخته و دستمزد کارگران از فروردین نیز پرداخت نشده است. شرکت بیستون شکوه پارسه در حال حاضر بیش از ۸۰ کارگر را اخراج کرده و از دادن حقوق و مزایای این کارگران خوداری نموده است.

شرکت بیستون شکوه پارسه جزو شرکت های نوپایی است که می خواهد با ندادن حقوق کارگران برای خود ثروت اندوزی کند. کارگرانی هم که برای پیروز خورشیدوند در این پروژه کار کرده اند هنوز حقوق ماههای بهمن و اسفند را دریافت نکرده اند.

پیام سندیکا: شرکت آسفالت طوس در تحریم کارگری گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک قرار گرفته است. با کار نکردن برای این شرکت های فاسد، فعالیت در این پروژه ها را به صفر برسانیم. متحد شویم پیروزیم.

تحریم کارگری شرکت آسفالت طوس شمالی و جنوبی

به گزارش کارگران شاغل در شرکت آسفالت طوس، مدیران گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران این شرکت حق کارگر خور و بد حساب را تحریم و رسوا می کند.

بدلیل تخلفات کارفرمایی مکرر در حق کارگران از جمله:

۱- پرداخت نکردن بیمه کارگران ۲- پرداخت نکردن حقوق فروردین کارگران تا اول شهریورماه ۳- محاسبه نکردن و پرداخت نکردن مزایای قانونی کارگران ۴- اخراج کارگران بدون هیچگونه پرداختی حق و حقوقشان

از تمامی کارگران خواستاریم جامعه کارگران پروژه ای را از وجود این شرکت فاسد و حق خور مطلع کنند و از مراجعه کاری به این شرکت خودداری کنند

تیم تحریم کننده پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران آماده دریافت گزارشات و تخلفات پیمانکاران بد حساب می باشد
۵ شهریور ۱۳۹۷

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت کیسون



شرکت کیسون که در پتروشیمی مخازن سبز عسلویه فعالیت دارد پنج ماه حقوق کارگران را پرداخت نکرده است. پس از اعتصاب کارگران، شرکت ۶۰ تن از کارگران را تسویه کرده و چک های تسویه داده است و کارگران

به نزد خانواده هایشان رفتند اما چک ها تاکنون وصول نشده است. حتا حقوق حسابداران و مسوولین کارگاه هم ریخته نشده است.

در این شرکت پایین ترین حقوق به کارگران داده می شود همچنین وضع خوابگاههای بسیار اسفناک می باشد. مثلن تشک، بالشت، ملافه و حتا پتوها استفاده شده و از قبل در اختیار کارگران دیگر بوده که بدون شستشو به کارگران دیگر تحویل داده می شودو کارگران مجبور هستند این موارد را از منزل با خود بیاورند. این پروژه رستوران نداشته و کارگران غذایشان را در اتاق هایشان میل میکنند. کیفیت غذا افتضاح مانند خودمسوولینش است.

کیفیت مسایل رفاهی بخشی از دستمزد کارگران است

بیمه تامین اجتماعی، خوابگاههای تمیز و بهداشتی با تشک و بالشت و ملحفه و پتوهای پاکیزه ، سرویس های بهداشتی و حمام های به تعداد کافی همراه با پاک کننده ها و مایع دستشویی و ظرفشویی، داشتن ماشین های لباسشویی در هر پروژه برای کارگران و کارکنان، مرخصی های ۱۵ روزه برای کار ۱۵ روز، رستوران تمیز و غذاهای بهداشتی و مقوی با کالری های لازم، میوه، سرویس های رفت و آمد تمیز همراه با کولر و بخاری مناسب، زمین بازی و باشگاههای ورزشی، دستمزدهای به موقع و مناسب با کار ارایه شده توسط کارگران، آموزش ضمن کار برای ارتقا دانش فنی، داشتن سندیکاهای کارگری و نماینده های شجاع،

همگی بخشی از دستمزدهای کارگران پروژه ای است که باید رعایت شود.

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



۱-صدها راننده شرکت واحد حائز شرایط بازنشستگی، به دلیل عدم پرداخت حق بیمه شان از سوی مدیریت، ماه ها است که معطل بازنشستگی شان هستند در هر یک از شش سامانه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران حدود صد تن از رانندگان و کارگران وجود دارند که با احتساب سوابق شان در شغل سخت و زیان آور حائز شرایط بازنشستگی هستند. اما به دلیل عدم پرداخت حق بیمه سهم کارفرما، سازمان تامین اجتماعی بازنشستگی شان را موکول به پرداخت حق بیمه سهم کارفرما کرده و به رغم اینکه ماه ها است حائز شرایط بازنشستگی اند؛ اما همچنان منتظر پرداخت حق بیمه شان توسط مدیریت شرکت واحد هستند تا بازنشسته شوند.

مطابق "بند ۴ قسمت ب ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی" کارگرانی که بیست سال در مشاغل سخت و زیان آور کار کنند، (۴%) به نرخ حق بیمه مقرر در قانون تامین اجتماعی افزوده خواهد شد که در صورت تقاضای بازنشستگی مشمولان، کارفرمایان می بایست بطور یکجا و یا بطور اقساطی پرداخت کنند. اما مدیریت شرکت واحد در سال های اخیر حق بیمه مذکور در مورد کارگران را حتی یکسال بعد از احراز شرایط بازنشستگی کارگر پرداخت و کارگران مجبور بوده اند به رغم احراز شرایط دریافت مستمری بازنشستگی، یکسال بیشتر کار کنند. در حالی که عموماً در مورد این کارگران، حقوق دو یا سه ماه شان برابر است با بدهی حق بیمه شان، و چنانچه این مبلغ یکجا به تامین اجتماعی پرداخت شود. کارگر بلافاصله بازنشسته خواهد شد. با توجه

به اینکه در برخی از سامانه های شرکت واحد کارگر مازاد وجود دارد، و کارگران بعد از احراز شرایط بازنشستگی شان، فقط در محل کار حاضر می شوند و بدون انجام کار حقوق دریافت می دارند. اما مدیر عامل ناکارآمد شرکت واحد که فقط به موقعیت خود می اندیشد، حاضر نیست برای دریافت یکجا سه ماه حقوق کارگر از شهرداری که با مبلغ بدهی حق بیمه برابری می کند؛ از مدیران شهرداری درخواستی داشته باشد. و صرفاً برای اینکه اینگونه وانمود شود که مدیر عامل کم هزینه ای برای شهرداری است، هم موجب نارضایتی کارگران مشمول حائز شرایط بازنشستگی شده است و هم زیان مالی به شهرداری و به تبع زیان مالی به شهروندان وارد می کند. البته در برخی سامانه ها نظیر سامانه چهار، بدون اینکه ضرورتی باشد مدیریت آن سامانه کارگران را وادار می کند حتی پس از احراز شرایط بازنشستگی، همچنان کار کنند.

۲- گزارشی از مطالبات معوق رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در خبرگزاری برنا

فقط می گویند سکوت کنید / هزینه کرد معاونت حمل و نقل ترافیک تهران شفاف نیست

برخی بی توجهی ها از سوی معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران به مطالبات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی باعث به وجود آمدن چالش هایی شده و برخی فعالان کارگری معتقدند مسیر هزینه کرد معاونت مربوطه شفاف نیست و هنگامی که به مسئولان اعتراض می کنند تنها جوابی که می شوند این است که سکوت کنید. کارگران و رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را باید از معدود کارگران ایرانی دانست که دستمزد ماهیانه آنها سر موعد و نهایتاً با یک روز تاخیر واریز می شود آن هم به دلیل اعتراضاتی است ولی با توجه به گفته های یکی از رانندگان شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران، مسئولان معاونت حمل و نقل ترافیک شهرداری تهران خودشان با بی‌توجهی قصد برهم زدن آرامش کارگران را دارند.

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اکنون به مواردی اعتراض دارند که از ابتدایی‌ترین وظایف شرکت واحد اتوبوسرانی محسوب می‌شود مانند ندادن میان وعده غذایی (شیر و کیک)، تحویل ندادن لباس کار به رانندگان، عدم شارژ کردن کارت خرید، بی‌توجهی به مشکلات بازنشستگان و ... رفته رفته با بی‌توجهی مسئولان شهرداری تهران به مطالبات کارگران و رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی، وضعیت موجود در حال ملتهب شدن است ولی در مقابل مسئولان معاونت حمل و نقل و ترافیک تهران از اعضای سندیکای اتوبوسرانی تهران می‌خواهند اعتراضی نکنند و به‌نوعی سکوت اختیار کنند و به نام‌لایمته‌ها تن دهند!

سعادت، یکی رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در مورد مطالبات عقب افتاده کارگران شرکت واحد و سعی مسئولان معاونت حمل و نقل ترافیک تهران بر ساکت نگاه داشتن کارگران اتوبوسرانی، به خبرنگار اجتماعی خبرگزاری برنا گفت: بعد از اینکه کارت‌های هوشمند جای کوین‌های کاغذی را گرفت، قرار شد تا در هر وعده مبلغ ۷۰۰ هزار تومان به‌عنوان شارژ کارت اعتباری (کارت خرید کالا) واریز کنند ولی هنوز معوقه مربوط به سال گذشته را پرداخت نکرده‌اند. بی‌توجهی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به اینجا ختم نمی‌شود، عدم پرداخت چهار درصد حق بیمه کارگران که مشمول کارهای سخت و زیان آور هستند از دیگر مطالبات همکاران است. همین موضوع باعث شده که دائماً صدها نفر در صف انتظار پرداخت چهار درصد حق بیمه برای بازنشستگی باشند. این موضوع جو روانی کارگران را بر هم زده است، اینکه در آینده چه پیش خواهد آمد همه فکر ما را پر می‌کند.

سعادت با اشاره به دیگر مطالبات کارگران شرکت واحد اضافه کرد: عدم پرداخت به‌موقع حق سنوات کارگرانی که بازنشسته می‌شوند از دیگر مواردی

است که معاونت حمل و نقل ترافیک در آن کوتاهی می‌کند. حق سنوات این کارگران همواره چند ماه یک بار پرداخت می‌شود بطوری که دائما بسیاری از کارگران در صف انتظار دریافت حق سنوات خود هستند. طبق قانون هر سال، در دو نوبت باید به همکاران ما لباس کار بدهند. این بسته البسه شامل شلوار، دو پیراهن، کفش، جوراب و در فصول سرد کاپشن، است که رانندگان اتوبوس‌ها برای رسمیت دادن به شغل خود و توجه مسافران احتیاج به پوشیدن لباس فرم دارند و هرچه لباس‌ها تازه تر و تمیزتر باشد باعث بالا رفتن شخصیت رانندگان اتوبوس می‌شود ولی باید بگوییم که اکنون همکاران ما کاپشن‌ها و لباس فرم سال گذشته را بر تن می‌کنند که این البسه نخ نما شده است. نیمه دوم سال گذشته لباسی به ما ندادند و بعد از شروع سال نو یک دست لباس به رانندگان دادند که در آن کاپشن نبود. آیا خود مسئولان می‌توانند با لباس مندرس سرکار بروند؟ این یک تخریب محسوب می‌شود و هیچ اهمیتی هم به این موضوع نمی‌دهند

سعادت در پایان با طرح مطالبه دیگری که به‌طور مستقیم با سلامتی کارگران در ارتباط است گفت: کارفرما موظف است تا هر روز برای تغذیه کارگران توقفگاه، تعمیرگاه و همچنین رانندگان به آنها به‌عنوان میان وعده شیر و کیک بدهد ولی در برخی سامانه‌ها تا یک ماه هیچ میان وعده‌ای به کارگران و رانندگان نمی‌دهند. توجه داشته باشید که خوردن شیر به صورت روزانه برای رانندگان و کارگران شرکت واحد به دلیل آلودگی هوای تهران ضروری محسوب می‌شود. این حق کارگران است که معلوم نیست مبلغ این سهمیه در کجا خرج می‌شود!



۳- به دلیل ناکارآمدی مدیریت شرکت واحد، اتوبوس‌ها با لاستیک ترک خورده در حال جابجایی شهروندان هستند. **جان مسافران و راننده در خطر است**

□ چرا بازرسی کار به وظیفه خود عمل نمی‌کند؟



۴- تجمع اعتراضی امروز ۴ مهرماه تعدادی از رانندگان شرکت واحد عضو پروژه مسکن سپیدار دو و سه مقابل تعاونی مسکن در اعتراض به عدم تحویل خانه هایشان

۵- حضور جمعی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، اتحاد بازنشستگان، معلمان و فعالان مدنی در منزل محمد حبیبی برای اعلام حمایت از معلمان زندانی



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی درخواست افزایش فوری دستمزد کارگران را با بیش از هزار امضا در دبیرخانه شورای شهر و شهرداری تهران ثبت کرد

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به دلیل کاهش شدید ارزش ریال و افزایش قیمت بعضاً چند برابری مایحتاج زندگی که موجب کاهش قدرت خرید کارگران شده است. و بیش از پیش کارگران در زیر خط فقر قرار گرفته اند. با جمع آوری بیش از هزار امضاء از رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، از رئیس شورای شهر تهران و شهردار تهران درخواست کرد با بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل، دستمزد کارگران فوراً افزایش یابد.

پیروزی کارگران در تحریم های کارگری

با تحریم کارگری پروژه ستاره خلیج که از سوی گروه پایپینگ و اکپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از سال گذشته صورت گرفت خبرها حاکی است که نمایندگان این پیمانکاران شاید و شرکت های فاسد فعال در این پروژه در فضای مجازی برای جذب کارگر برای این پروژه التماس می کنند و پیشنهادهای کارشان از طرف کارگران رد می شود. کارگران می گویند در چند بخش از این پالایشگاه کار با ۳۰ درصد در حال فعالیت است و این با برنامه ای که از سوی مدیریت کل پالایشگاه در سال جاری اعلام شده به رکود دامن زده است

امیدواریم با اتحاد بیشتر کارگران این پروژه نسبت به پرداخت حقوق واقعی کارگران اقدام کرده و به زودی تسلیم عدالت کارگری بشوند.

شارژ اولین دوره کارت خرید کالای اساسی مشمولین وزارت کار

رئیس اتحادیه فروشگاههای زنجیره‌ای از شارژ اولین دوره کارت‌های خرید کالاهای اساسی سرپرستان خانوار مددجویان بهزیستی و کميته امداد تا سقف ۱۳۵ هزار تومان خبرداد.

به گزارش ایلنا، امیر خسرو فخریان با اشاره به اینکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اتحادیه فروشگاههای زنجیره‌ای اطلاع‌رسانی را به مشمولان انجام داده است، افزود: دارندگان کارت‌ها می‌توانند به هزاران فروشگاه زنجیره‌ای موجود مراجعه و تا سقف تعیین شده بدون پرداخت وجه نقد خرید خود را انجام دهند.

وی با بیان اینکه ۹ گروه کالایی از انواع پروتئین تا مواد شوینده برای خرید تعیین شده است، گفت: افراد می‌توانند بدون وجود محدودیت در انتخاب نوع کالا و با توجه به نیاز خود همه مبلغ شارژ شده را خرید کنند.

رئیس اتحادیه فروشگاههای زنجیره‌ای با اشاره به اینکه این کارت‌ها در سال بطور نسبی تا ۴ بار شارژ می‌شود، ادامه داد: درحال حاضر پیامک‌هایی به مردم ارسال می‌شود با مضمون اینکه کد ملی خود را به سامانه ۵۰۰۰۴۹۹ ارسال کنید که پس از تعیین مشمول بودن افراد ۲۰۰ هزار تومان به حساب برای خرید از فروشگاههای زنجیره‌ای واریز می‌شود که این پیامک تقلبی است و صحت ندارد.

فخریان افزود: هیچ مشکلی در تامین کالا وجود ندارد و تولیدکنندگان درحال تولید کالا هستند و مردم نباید در این بخش دچار نگرانی شوند.

رئیس اتحادیه فروشگاههای زنجیره‌ای ادامه داد: فروشگاههای زنجیره‌ای برای تامین نیاز مردم با کمبودی مواجه نیست و با مدیریتی که در این مراکز انجام شده از احتکار خانگی نیز جلوگیری شده است.

نامه دریافتی از یک کارگر پروژه ای به پیام سندیکا

سلام چرا شما شرکت مهندسی ستیران را جزو پیمانکاران بد حساب نگذاشتید. الان ۱۰ ماه است که حقوق نداده در پروژه قلعه نار اندیمشک. الان بیست روز است که به نیروهای غذا نمیدهد تا کارگاه را ترک کنند. تا بعد از شکایت کارگران بگوید که خودشان ترک کار کردند. کارفرمایش کارگران را تهدید میکند که اگر کسی شکایت کند و یا اعتصاب بکند داخل بلک لیست میگذارم که نتواند داخل هیچ پروژه نفتی کار پیدا کند. پارسال سرپرست کارگاه را اخراج کرد بخاطر اینکه از حق کارگران دفاع کرده بود. پارسال هم ۱۱ ماه بود که حقوق نداده بودند شرکت مهندسی مشاوره ستیران

خوابگاه هایش که داخل همون سایت هستند که واقعن باید ببینین که چه افتضاهی هست. یعنی هر شب باید چنتا مارمولک یا عقرب بکشی. هر دو سه روز یک بار ما آب نداریم. حمامهاش رو بازاست و وقتی بارون میزند آب داخل اتاقهایش جاری است. حقوقها بسیار کم است. دو سال هشت ماه اونجا بودم حقوق کارگران اضافه نشد و کارگران بومی بیمه نداشتند، سرویس نداشتند، هروقت هر یک از کارگران می خواست برود مرخصی بایستی زنگ میزد به آژانس تا بیاد ببردش تا سر جاده اصلی. کارگاه داخل یه بیابونی هست که تا جاده ۱۰ کیلومتر فاصله داشت. چند تا بازنشسته شرکت نفت استخدام کرده بود که از دوستان کارفرما بودند که تا بچه ها میخواستند یه حرفی بزنند میرفتند به کارفرما میگفتند. اون هم میامد کارگران را تهدید می کرد و کارگران بومی مجبور میشدند که سکوت کنند. به کارگرهای بومی برای نهارشان اتاقی هم اختصاص نمیدادند تا نهارشان را به راحتی خورده و استراحت کنند. آن هم در گرمای ۵۰ درجه. اما کارفرما برای خودش یه کاخی درست کرده بود. سه نفر بودن که هرکدومشون ماهیانه ۳۵ ملیون حقوق میگرفتند که یک کار ۲۵ هزار اینچی را تمام کنند. الان ۱۶ سال دارن اونجا میخورند و میبرند با همین شرکت و هر سال هم قراردادشان را تمدید میکنند. از سندیکای فلزکاران انتظار حمایت داریم

جاسم عزیزی کارگر پروژه ای

واگویه های وارتان

کسی مرا گفت: دردت چیست که زمین و زمان به باد دشنام گرفته ای؟....

گفتم: تو کیستی که چنین می پرسی از من؟!...

گفت: از دایره اطلاعات حکومت اسلامی...

گفتم که من یک کارگرم....

و درد من جیب خالی است و شرمندگی در برابر خانواده ام....

درد من قسطهای عقب افتاده ای است...

که دیر پرداخت آنها... روزشمار محاسبه میشود...

حال آنکه دستمزد کار بدنی ام....

در بانک پنهان شده است....

تا به امید سود بیشتر کارفرمایم....

پیوند او را با بانک....

آفرینی دوباره گویم....

من از دادگستری که شما سازمان داده اید گله ها دارم....

که جواب دادخواهی مرا....

جز تلف وقت... زحمتی نداده است..

وارتان خرم‌دین

۱۳۹۵/۲/۱۴ در شرکت تهران جنوب، ستاره خلیج

نگاهی به قیمت رنگهای ساختمانی



۱- از آنجایی که مواد اولیه رنگ، تیتان می باشد و این محصول از کشورهای دیگر وارد میشود و هر روز قیمت رنگ بالا میرود به بهانه بالا رفتن دلار، متاسفانه در ماه های گذشته رنگ های ساختمانی صد درصد گران شده اند و مشکلات کاری برای کارگران نقاش ساختمان هر روز بیشتر از روز دیگر می شود و به بیکاری کارگران دامن می زند.

مثلاً رنگ پلاستیک پارس بهار دبه ای بیست و نه هزار تومن بود الان رسیده به دبه ای هفتاد هزار تومن و سحر براق روغنی چهار کیلویی ۳۵ هزار تومن بود رسیده به ۷۵ هزار تومن اما مزد کارگران هنوز تکان نخورده به علت گرانی رنگ، کار نقاشی هر روز کمتر و کمتر میشود.

۲- سو استفاده کارخانه ها از موقعیت کنونی. عده ای از کارخانه ها تولیدات خود را انبار می کنند و به فروش نمی رسانند. عده ای نیز سازمان تعزیرات را دور زده فاکتور خود را به قیمت پایین نوشته که گیر تعزیرات نیفتند و کالایشان را در رنگ فروشی ها خالی نمی کنند. باید کارگر نقاش رنگ را به صورت نقدی و بدون فاکتور بخرد آن هم به قیمت گزاف. مخصوصاً کارخانه های معروفی چون هادی، سحر، پارس بهار، ارژنگ.... اما این وسط فقط کارگران هستند که آسیب می بینند. از طرفی خطری هم کارخانه های رنگ تهدید می کند آن هم این است که اگر دولت نتواند تیتان وارد کند

تمام کارخانه های رنگ تعطیل خواهند شد و این برابر است با بیکاری چند هزار نفری کارگران نقاش ساختمان که در این بخش فعالیت دارند.

آیا دولت برای این بخش که بسیار آسیب پذیر هستند برنامه ای دارد یا نه؟ خدا میداند!؟ بیشتر رنگ های با کیفیت و خوب دیگر در مغازه های رنگ فروشی اثری ازشان نیست و باقی رنگ ها هم از نظر کیفیت زیر صفر هستند.

حسین امیدی سندیکالیست

از منافع ملی در ذوب آهن حمایت می کنیم!

۱- در اواخر مرداد ۵۰۰ تن ریل توسط ذوب آهن به راه آهن سراسری تحویل شد که ۲۵۰۰ تن دیگر هم در انبار موجود و برای تحویل آماده است.

با توجه به اینکه منافع ملی ما در راستای کوشش برای هرچه صنعتی تر شدن و بالا بردن تولید محصولاتی است که در داخل توان تولیدش وجود دارد، باید به یک برنامه همیشگی در دولت ها قرار گیرد.

تولید ریل ملی یکی از خواسته های کارگران ذوب آهن و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک بوده و هست. تولید ریل ملی به اشتغال زایی کارگران بیشتری در ذوب آهن کمک کرده و بیکاری را در اصفهان و شهرهای دیگر را کمتر خواهد کرد و جوانان بیشتری به عرصه تولید وارد شده و افزایش کمی طبقه کارگر را به همراه خواهد داشت. همچنین دست مافیای واردات این محصول را از تجارت خارجی کوتاه کرده و از دست اندازی به ثروت ملی (ارزهایی که از کشور خارج نشدند) را باعث خواهد شد.

امید داریم که این سیاست در مورد ریل مورد نیاز مترو اصفهان نیز از ذوب آهن اجرایی شود و دست مافیای نفوذ کرده در دولت برای خرابکاری این امر کوتاه شود.

این در حالی است که به درخواست وزیر راه ۲۰۰ لکوموتیو از هند به کشور وارد شده است. ۲۰۰ لکوموتیوی که می توانست کارخانه واگن پارس اراک را به مدت ۴ سال بصورت تمام وقت مشغول تولید کند و ارز این خرید در خزانه محفوظ بماند.

۲- با توجه به میزان مصرف بالای آب در صنایع فولادی و اعلام کارشناسان کارگری ذوب آهن برای استفاده از پساب تصفیه خانه های شهرهای مجاور کارخانه ، مطلع شدیم مدیریت ذوب آهن با امضای قراردادی، انتقال پساب تصفیه خانه های فاضلاب فولاد شهر و ایمان شهر به ذوب آهن را اجرایی کرده تا به مصارف صنعتی و آبیاری فضای سبز شرکت کمک شود.

کارشناسان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقدند که چنانچه مدیریت نسبت به پیشنهادات کارگران روی خوش نشان دهد برای رفع مشکلات این مجتمع عظیم همیشه راهکارهای کارگری موجود است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از هر اقدامی که به کوتاه شدن دست مافیای واردات کمک کند و اشتغال بیشتری را برای جوانان به ارمغان بیاورد و توان اقتصادی را در جهت منافع ملی افزایش دهد حمایت می کند.

کنشگران کارگری ذوب آهن اصفهان

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

مهر ماه ۱۳۹۷

درود به کارگران سرزمینم.....

بی اعتمادی کارگران نسبت به عملکرد کارفرمایانشان روز بروز نمود بیشتری پیدا می نماید؛ چرا که کارفرمایان روز به روز دورویی و نقاط ضعف خود را که چپاول حقوقی زحمتکشان می باشد توسعه میدهند و از تنگدستی آنان و شرایط نابسامان اقتصادی نهایت بهره برداری را میکنند تا کارگران را به خاک سیاه فقر کشانده و در دستیابی به حقوقشان سرگردان می نمایند تا بهتر بتوانند نیروی کار ارزان را استثمار کنند. آنها شفاف نیستند و وعده هایشان هیچوقت در زمان داده شده عملی نمیشود. آنها دروغگویی را پاس میدارند و در پس عملکردهای نابکارشان پشت سر نیروی کار پوزخند جانانه ای میزنند و چنین خود را توجیه می نمایند که نان طبقه ضعیف خوردن دارد و پشت سرش بایستی قهقهه ای سرمستانه از پیروزی سرمایه داری و چپاول سفره های زحمتکشان سر داد و تمام سودهای خویش را در مسیر سود دهی صورت واقعیت بخشید..

ای کارفرمای با وجدان من !!! شرافت تو چمدان پولهایت می باشد و تمام اندیشه ات استثمار من است. میخوام این را به تو بگویم که من کتاب میخوانم و به دنبال کتاب قانون هستم تا خوب بدانم که من و شما در این جامعه انسانی چه عملکردها، وظایف و حقوقی بایستی داشته باشیم و چرا و چگونه زندگی ما در پناه کار و تلاش رونق می گیرد؟!.. آیا ما کار میکنیم تا در برابر مردمان سرزمین و خانواده هایمان سربلند باشیم یا اینکه کیسه کارفرمایان لبریز، از سکه های جادویی حیرت کننده گردد تا هوش از سرشان بیبرد و هوس سرکوب و استثمار توده های مردم بنمایند؟!.. آیا ما کار میکنیم تا برده دروغ و نفرت و سودبختی سوداگران باشیم و یا اینکه کار میکنیم تا آزاد زندگی بنماییم و به رأس هرم نیازهای انسانی یا خود شکوفایی برسیم؟!.. آیا ما کار میکنیم تا طبیعت را زنده نماییم یا اینکه دلهای صنعتگران پرتلاش پروژه های سرزمینمان افسرده و غمگین و رخساره هاشان خشمگین و زرد

گردد؟!.... ما وقتی کارمان تمام میشود خوشحال میشویم که دستمزدهایمان را بگیریم و گره از مشکلاتمان بگشاییم؛ اما سوداگران بی انصاف ما را دور میزنند و با دستان خالی ما را در این بازار قحطی و سرگردانی رها میسازند.. ما کارگران پس از تسویه حساب کارگری در اندیشه آن هستیم که چگونه و با چه راهی بایستی پولمان را بگیریم و پیوسته در گوشمان میخوانند که حق گرفتاری است.. اما نمیگویند که سرمایه های سرزمین ما چگونه در خدمت طمع ورزیهای چپاولگران حیف و میل و غارت میشوند. دزدان حقوق و دستمزد کارگران چنان گستاخ شده اند که پیش از آنکه نیرویی را استخدام بنمایند از او تعهد میگیرند که شما حق مطالبه گری و اعتراض ندارید و بایستی طوق بردگی کارفرمایان را با تمام وجودتان بپذیرید و بر آن بوسه بزنید و آن را مقدس بدارید تا شاید با پیشکش تکه نانی شما را از قحطی و گرسنگی رها بنماییم... وقتی از کارگاه خارج میشویم دیگر نبایستی انتظار داشته باشیم آنان بعد از رفتن ما پول به حسابهایمان بریزند..

.. یا اگر دستمزد را پرداخت بنمایند کامل پرداخت نمی نمایند... بهتر است که کارگران برای گرفتن دستمزدهایشان پشت همدیگر را خالی ننمایند و بی سر و صدا جیم نشوند و بهانه تراشی ننمایند؛ چرا که تجربه این پشت گوش اندازیها را هم اکنون به قیمت فقر و سرگردانی خود و خانواده هایمان احساس می نماییم و با اینگونه بی مسؤولیتی هایمان، دزدان سفره هایمان را فربه تر و فربه تر می نماییم...

سندیکا خانه دوم ماست و باید آن را بسازیم و در آن متحد شده و حقوقمان را از کارفرمای بی وجدان بگیریم تا روزگار و آینده ای درخشان برای بچه هایمان بوجود بیاوریم. از همین امروز باید دست به کار شد.

با سپاس..

وارتان خرم‌دین عسلویه شهریور ماه ۱۳۹۷

تولید ثروت و تقسیم آن

«مدیرعامل شرکت ذوب آهن : خاکریز دشمن کاهش تولید ، افزایش هزینه ها، بی تفاوتی کارکنان است»

زمانی می توان از هر کارگری توقع داشت که در تولید فاخر و همچنین افزایش آن نهایت توجه و توانایی خود را به کار گیرد که قبلن آن کارگر از تولید ثروت به دست خود بهره برده باشد

در تمامی این سالها که ذوب آهن توسط مدیران بی عرضه به زیان دهی رسیده این زیان را فقط کارگران به دوش کشیدند و با تولید بیشتر ابتکار و صرفه جویی هزینه های شرکت را کاهش دادند و برای سرپا شدن ذوب آهن بی تفاوت نبودند و همه توان خود را بکار بردند. کارگران می پرسند آیا مدیریت جدید در مورد استخدام برای تکمیل نیرو بخش های مختلف برنامه ای دارد؟

آیا دستمزدها افزایش خواهید داد؟ آیا استخدام فرزندان ذوب آهنی را در اولویت خواهید گذاشت؟ و آموزش و انتقال تجربه از کارگران قدیمی به کارگران جدید را در دستور کار خواهید داشت؟؟

از نظر کارگران ذوب آهن خاکریز دشمن را کسانی که به مشکلات کارگران از جمله گرانی روز افزون که سفره های کارگران را کوچکتر کرده ، عدم ساخت خانه های سازمانی، تقویت نکردن بخش درمان صندوق درمان ذوب آهن، و وام های ضروری کارگران بی تفاوت هستند ، می سازند و کارگران را با مشکلاتشان تنها رها می کنند.

به کارگران اهمیت بدهید و معیشت کارگران الویت شما باشد در این صورت خاکریزی ایجاد نمی شود.

مازیار گیلانی نژاد شهریور ۱۳۹۷

با درود فراوان به کارگران زحمتکش

این امر که در حال حاضر کار نیست و همه جا بیکاری فراوان و مشکلات متعدد در حدی شده که خیلی ها واقعن نمیتوانند نان و یا شکم خود و خانوادهشان را سیر کنند فراگیر شده و روز به روز بدتر میشود. برای اینکه بتوانیم فقط گذر عمر بکنیم و یا گرسنه نمائیم مجبوریم کار بکنیم. حالا یا حقوق عادی یا زیر قیمت. اگر بپذیریم یا مجبور باشیم با حقوق کم قرارداد ببندیم حتمن به مشکل بر میخوریم. بهترین راهکار این است که باحقوق کم کلن کار نکنیم. اگر مجبور شدیم کار بکنیم با اینکه میدانیم به مشکل بر میخوریم دیگه جای گله ای نیست. با اینکه حق ما این نیست ولی ناچاریم و مجبوریم..

مهمترین قسمت داستان اتحاد هست که ما کارگران نداریم نداریم نداریم. یک نگاه کنید به کامیونداران چطور و چگونه همگی بخاطر گرانی لوازم یدکی و کم بودن کرایه و... به راحتی اعتصاب میکنند و متحد هستند در سراسر ایران!!!! چرا ما باید به دستمزدی که روزانه پنجاه الی هفتاد هزار تومان هست و جوابگوی هیچگونه مشکلی از زندگیمون نیست اعتراض نکنیم؟ چرا متحد نیستیم؟ ما نه سیاسی هستیم نه به سیاستمداران کاری داریم، هرچند بارها داد زدیم فریاد زدیم، نامه نوشتیم، از مشکلاتمان گفتیم و... هیچ گوشی شنوای مشکلاتمان نبود و نیست. بخدا اگر سالهای سال هم گرسنه بمانیم ، بهیچوجه مسوولی رسیدگی نخواهد کرد. چون مشکلات مملکت بحدی زیاد شده که ما دیده نمی شویم.

خودمان باید صدای خودمان باشیم. دست بدست هم بدهیم چرخ اقتصاد بدست کارگر میچرخد و این مهمترین نکته ی این ماجراست. اگر فقط یکروز کل کارگران کار نکنند چه اتفاقی خواهد افتاد؟؟ تصورش سخت است ولی دستان ما کارگران رگهایی است که خون را به تمام نقاط بدن میرساند و از قلب منشا میگیرد. کاش یکروز متحد باشیم و فقط حقمان را بخواهیم.

به امید بدست آوردن حق و حقوق کارگران در سراسر جهان
پیروز باشید کارگر پروژه ای مریخی

تعاونی مصرف ذوب آهن، دستاورد درخشان کارگری

تعاونی مصرف کارگران و کارکنان ذوب آهن در سال ۱۳۴۸ تاسیس شده است و در حال حاضر با عضویت ۵۱ هزار کارگر در این تعاونی خدمت رسانی به خانواده های کارگری را به اوج خود رسانده است. این تعاونی ۱۵ فروشگاه در سطح استان اصفهان و چهارمحال بختیاری دارد.

با توجه به دستمزدهای ناچیز کارگران، تعاونی برای مقابله با گرانی روز افزون که خانواده های کارگری را رنج می دهد اقدام به فروش کالاهای قسطی به مبلغ ۶۰ تا ۷۰ میلیارد تومان به اعضا کرده است. همچنین با بوجود آوردن کارت های اعتباری تا سطح ۶۰۰ هزار تومان این امکان را به ۱۳ هزار کارگر شاغل و بازنشسته داده است تا خرید های روزمره خود را سازمان بدهند. این تعاونی به دلیل نظارت اعضا بر عملکرد تعاونی مشکل مالی نداشته و سیستم مالی اش بصورت شفاف و تحت نظر بازرسین به کارگران عضو اطلاع رسانی می شود.

تعاونی مصرف حتا با سرمایه گذاری در زمینه مسکن و ساخت یک مرکز تجاری سرمایه کارگران عضو را به روز کرده و با تورم و کم شدن ارزش پول و سرمایه کارگران مبارزه ای سخت را در پیش گرفته است و برنامه ای جدی دارد. همچنین تعاونی مصرف در راستای کم کردن مشکلات کارگران از طریق بانک مهر اقتصاد تاکنون به ۷ هزار خانواده کارگری وام ۶۰ ماهه داده است.

این در حالی است که تعاونی مصرف از امکانات ذوب آهن به هیچوجه استفاده نمی کند اما از مدیریت ذوب آهن توقع دارد که مبلغ خرید اقساطی کارگران را پس از کسر از حقوق کارگران به صندوق تعاونی سریعن واریز کند و از هرگونه تاخیر در این مورد بپرهیزد.

کنشگران کارگری ذوب آهن اصفهان



مصاحبه مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران با ایلنا: انبارهای محتکران را بین مزدبگیران توزیع کنید/ چرخش سفره‌های کارگران به سمت نان خالی

مازیار گیلانی‌نژاد با انتقاد از گران شدن اقلام خوراکی گفت: باید ضروریات زندگی را به نرخ تعاونی بین مردم توزیع کنند. این روزها گران شدن اقلام خوراکی و جهش بلند قیمتی، قدرت خرید مزدبگیران را بیش از همیشه کاهش داده‌است؛ با این حال اما مازیار گیلانی‌نژاد (عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک) معتقد است مشکلات فقط محدود به «گرانی‌ها» نیست و کم شدن حجم و البته کاهش کیفیت مواد غذایی را نیز در برمی‌گیرد. اینکه هرازگاهی اعلام می‌شود فلان چیز گران شد، تمام ماجرا نیست؛ از آنجا که بازرسی‌های دقیق و منظم وجود ندارد، همواره در کیفیت و حجم نیز تغییراتی می‌بینیم. این اتفاق برای بسیاری از مواد خوراکی از جمله گروه لبنیات و روغن‌های خوراکی افتاده است. شما فرض کنید ده درصد از حجم یک قلم خوراکی کم کنند و بیست درصد به نرخ آن بیافزایند؛ سرجمع می‌شود ۳۰ درصد افزایش قیمت!

گیلانی‌نژاد با بیان اینکه این اتفاق برای هر محصولی که به صورت بسته‌بندی عرضه می‌شود، می‌تواند رخ بدهد؛ می‌افزاید: در ارتباط با کیفیت نیز بازرسان فنی بهداشتی باید نظر بدهند که مثلاً فلان پنیر لبنی از دو سال پیش تا امروز، چقدر کاهش سطح کیفیت داشته‌است.

اشاره او به اقلام خوراکی ضروری برای خانوارهای کارگری بازمی‌گردد: کارگران گوشت و میوه‌جات را تقریباً حذف کرده‌اند؛ اما ساده‌ترین اقلام هم دستخوش، افزایش شدید

قیمت‌ها شده‌اند؛ تخم مرغ از دانه‌ای ۴۰۰ تومان به بیش از ۷۰۰ تومان رسیده؛ گوجه فرنگی کیلویی، ۶ تا ۷ هزار تومان است؛ اگر کارگری بخواهد برای وعده‌ی ناهارِ شخص خودش یک املت ساده درست کند، نیم کیلو گوجه فرنگی و حداقل سه عدد تخم مرغ لازم دارد که روی هم رفته می‌شود حدود ۶۰۰۰ تومان! این هزینه‌ی یک ناهار بسیار حداقلی‌ست؛ حالا شام و صبحانه را حذف کنید؛ باقی اعضای خانواده‌ی این کارگر را نیز فراموش کنید؛ یک نفر برای یک وعده ناهار بسیار ساده و در دسترس باید ۶۰۰۰ تومان هزینه کند. هزینه نان بربری و پنیر را برای یک خانوار سه نفره در ماه حساب کنید تا دریابید که اوضاع چقدر قمر در عقرب است. کارگران روزانه بین ۳۰ تا ۳۵ هزار تومان دستمزد دارند؛ یک روز حقوق کارگر، پول سیصد گرم گوشت قرمز است؛ پس بیجا نیست اگر ادعا کنیم که خانواده‌های کارگری هفته‌ها و ماه‌ها می‌گذرد که رنگ گوشت را نمی‌بینند.

این فعال صنفی کارگران فلزکار در ادامه به موضوع دیگری می‌پردازد: گاه‌اخباردار می‌شویم که انبار محترمان مواد غذایی را کشف کرده‌اند؛ اما خبری از توزیع عادلانه‌ی این مواد کشفی نیست؛ درحالی‌که می‌توانند همین مواد غذایی کشف شده را بین فرودستان تقسیم کنند.

او به سیستم‌های توزیع ارزان کالا اشاره می‌کند و می‌گوید: ما شرکت تعاونی‌های ارتش را داریم برای شاغلان و بازنشستگان نیروهای مسلح؛ شرکت تعاونی‌های فرهنگیان را نیز برای معلمان شاغل و بازنشسته داریم و البته تعاونی‌های کارگری مانند «امکان» را برای کارگران شاغل و بازنشسته داریم؛ لذا مسئولان می‌توانند انبارهای محترمان را بعد از کشف در همین سه شبکه‌ی توزیع، تقسیم کنند تا به این طریق، مزدبگیران کم درآمد بتوانند مایحتاج اولیه‌ی خوراکی را با کمترین قیمت تهیه کنند.

گیلانی‌نژاد در پایان هشدار می‌دهد: سفره‌های کارگران دارد می‌شود فقط نان خالی! گوشت که مدت‌هاست حذف شده، میوه‌جات هم با افزایش ناگهانی ۸۰ درصدی اخیراً حذف شده؛ مصرف لبنیات هم که به پایین‌ترین سطح ممکن رسیده؛ پس فقط می‌ماند همان نان خالی! اگر دیربجنبند، گرسنگی و سوءتغذیه، بخش عظیمی از جمعیت کشور را درگیر خواهد کرد



مصاحبه دبیر اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران با خبرگزاری ایلنا:

احکام دادگاه‌ها برای کارگران پروژه‌ای، ضمانت اجرایی ندارد/فقط «تشکیلیاتی» کارگران پیمانکاری را نجات می‌دهد

ناصر آقاجری ضمن تشریح شرایط شغلی کارگران پیمانکاری می‌گوید: خیلی وقت‌ها کارگران شاغل در پروژه‌های دست چنم، هیچ شناختی از حقوق قانونی خود ندارند. در توصیف شرایط سخت زندگی کارگران قرارداد موقت به خصوص شاغلان در پروژه‌های نفت و گاز، این‌گونه می‌گوید: در یک جمله‌ی کلی وضعیت کارگران این چنین است؛ نعمات مادی جامعه تولید می‌شود ولی در توزیع آن، به دستان مولد کارگران، حداقلی می‌رسد که تنها زنده بمانند تا باز هم افزون‌تر استثمار شوند.

وی ادامه می‌دهد: در شرایط موجود که کارگران نسل اول بدون هیچ آموزشی وارد بازار کار می‌شوند، به خصوص آنهایی که از محیط‌های کمتر صنعتی روستایی و به دنبال رکود کشاورزی و خشکسالی به شهرهای بزرگ می‌آیند،

قانون کار، قانون اساسی و مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی هیچ اعتبار اجرایی ندارد. اکثریت قرارداد موقتی‌ها را همین گروه از کارگران تشکیل می‌دهند که با کندی و تردید، با راهنمایی نسل قبلی کارگران، برای دفاع از حقوق پایمال شده‌ای که مناسبات اقتصادی نولیبرالی از آن‌ها سلب کرده، تلاش می‌کنند. مناسباتی که برای کارگران هیچ حقی قایل نیست و حتی دستمزد آنها را به موقع پرداخت نمی‌کند و در اکثر موارد از پرداخت ماه‌ها حقوق آنها خودداری می‌شود. برای نمونه، در «کنگان» کارگرانی را داریم که پس از بیش از پنج سال، حکم قانونی دریافت دستمزد معوق در دستان کارگران است بدون وجود یک قدرت اجرایی برای دریافت آن. یعنی در پارس جنوبی کارگرانی را داریم که از زمان اتمام پروژه‌شان، بیش از پنج سال می‌گذرد و حالا بعد از دوندگی‌های بسیار توانسته‌اند از دادگاه حکم پرداخت معوقات را بگیرند؛ درحالی‌که کارفرمای آنها یا همان پیمانکار پروژه مدتهاست که از پارس جنوبی رفته و هیچکس نشانی از او ندارد؛ بنابراین حکم دادگاه، فقط کاغذی بدون اعتبار است که در دست کارگر می‌ماند و کارگر هرگز به پولش نمی‌رسد؛ حتی بعد از مدتی این در و آن در زدن، عطای پیمانکار و پول را به لقایش می‌بخشد و کلاً مطالبات خود را بی‌خیال می‌شود. بدون استثنای برای کارگران پیمانکاری، نزدیک به ۶ ماه از حقوق کارگر در حساب "کارآفرین" (بخوانید دلال) باقی می‌ماند؛ درحالی‌که پیمانکاران دست دوم و سوم، سر هر ماه «صورت وضعیت» چندین میلیاردی خود را از کارفرمای مادر دریافت می‌کنند؛ اما همین‌ها حق و حقوق کارگر را نمی‌پردازند.

او «عدم آگاهی» و فقدان «دانش طبقاتی» را در آنچه بر سر کارگران می‌آید، موثر می‌داند اما می‌گوید: شرایط کار و زندگی برای کارگران به گونه‌ای است که اوقات فراغتی باقی نمی‌گذارد که به مطالعه بپردازند و به شناخت واقعیت‌ها برسند لذا خیلی‌ها واقعیت‌های اساسی را از کارگران پنهان می‌کنند یا «قلب واقعیت» می‌کنند و دروغ‌های شادخار را به نام واقعیت به خورد کارگران می‌دهند. کارگران حداقل‌بگیر و قرارداد موقت که در پروژه‌های مختلف مشغول به کار هستند، به همین دلیل است که کمتر به فکر ایجاد تشکیلات منسجم می‌افتند و همواره در روزمرگی دردناک خود غوطه‌ورند.

وی تصریح می‌کند: راه برون‌رفت فقط در ارائه طرح‌های قابل انطباق با واقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی‌ست نه در شعارهای دهان پرکن؛ روی سخن آقاجری با کسانی‌ست که داعیه‌ی نمایندگی کارگران را دارند. او بر این باور است که باید کارگران را با ارائه طرح‌هایی که قابلیت اجرایی داشته باشند، راهبری کرد وگرنه آگاهی‌بخشی از فاصله‌ی بعید آرمانی و با تئوری‌های انتزاعی راه به جایی نمی‌برد.

آقاجری در پایان اضافه می‌کند: مخصوصاً برای کارگرانی که از مناطق محروم برخاسته‌اند و خاستگاه اجتماعی کمتر برخوردارتری دارند، صحبت‌ها و طرح‌ها باید قابل فهم باشد؛ آنها باید حقوق قانونی خود را بشناسند و قبل از هرچیز باور داشته باشند که «تشکل‌یابی» و اتحاد می‌تواند آنها را نجات بدهد. تئوری‌های فلسفی و مفاهیم انتزاعی به درد کارگری که نمی‌داند اگر حقوقش را دو ماه ندادند باید به کجا مراجعه کند، نمی‌خورد.

ایلنا گزارش می‌دهد؛ کاهش ۹۰ درصدی قدرت خرید کارگران تا مهرماه/به «اقتصاد پاندولی» نمی‌توان امید بست

محاسبات گروه کارگری شورای عالی کار نشان می‌دهد در ششم مهرماه سال جاری، قدرت خرید کارگران نسبت به ابتدای سال، نود درصد کاهش یافته است؛ این درحالیست که علیرغم درخواست کارگران، وزارت کار حاضر نیست جلسه شورای عالی کار را برگزار کند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، صبح پایین می‌آید؛ عصر دوباره بالا می‌رود؛ «قیمتِ ارز» این روزها حساب و کتاب ندارد؛ با هر سقوط، خیلی‌ها ازجمله کم‌درآمدها خوشحال می‌شوند که شاید فردا صبح بتوانند رب گوجه فرنگی و نان و گوشت را با قیمت ارزان تهیه کنند اما باز ناگهان امیدها نقش بر آب می‌شود؛ دوباره خبر می‌رسد که نرخ دلار و ارز در صرافی‌های خیابان فردوسی بالا رفته است؛ در هر حال، از این بالا و پایین رفتن‌ها که بیشتر هم

بالا می‌رود تا پایین، آبی برای کارگران و دستمزدگیران گرم نمی‌شود. همچنان قیمت‌ها به نسبت فروردین ماه، چند برابر افزایش نشان می‌دهند..

به «اقتصاد پاندولی» نمی‌توان امید بست

به نظر می‌رسد به این «اقتصاد پاندولی» نمی‌توان امیدی بست و این کاهش قدرت خرید مزد یا بی‌ارزش شدن دستمزد نیروی کار، حالا حالاها ماندگار است ولی متأسفانه دولتی‌ها این معضل اساسی را نادیده می‌گیرند و حاضر نیستند علیرغم پافشاری‌های مکرر کارگران و تشکل‌های کارگری، همان ۸۰۰ هزار تومان ناقابل مصوب کمیته دستمزد را به مزد یک میلیون و چهارصد هزار تومانی کارگران اضافه کنند؛ ۸۰۰ هزار تومانی که هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند برای حل مشکلات معیشتی کارگران در این روزگار گرانی‌ها، کفایت می‌کند. این روزها همانطور که تشکل‌های مستقل کارگری مطالبه می‌کنند باید حداقل ۷ میلیون تومان درآمد داشته باشی تا اموراتت در یک حد قابل قبولی بگذرد.

حتی فرهنگ را «کالایی» کرده‌اند

بهرام حسنی‌نژاد (فعال کارگری مستقل و دبیر سابق انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو) در رابطه با شرایط معیشتی فعلی کارگران می‌گوید: ۸۰۰ هزار تومانی که تعلل می‌کنند و حاضر نیستند حتی پرداخت غیرنقدی آن را تایید کنند، به هیچ وجه برای جبران کمبودهای معیشتی کارگران کافی نیست. مهم‌ترین مساله «کالایی شدن نیازهای ضروری مردم و کارگران» است؛ وقتی بهداشت، آموزش و حتی فرهنگ را «کالایی» کرده‌اند، دیگر چگونه می‌شود از حیات شرافتمندانه‌ی طبقه کارگر صحبت کرد؟ اینها همه چیز را «کالایی» کرده‌اند، حالا شما توقع دارید جلسه شورای عالی کار را به همین راحتی برگزار کنند و به همین راحتی مزد من کارگر را ۸۰۰ هزار تومان بالا ببرند؟!

او معتقد است؛ بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی ما ناشی از سیاست‌های کلان دولت است نه بحث تحریم و مناسبات خارجی. به اعتقاد حسنی‌نژاد «تداوم خصوصی‌سازی‌ها» و سیاست‌های دست‌راستی، بنیه‌ی اقتصاد را تا حدی ضعیف کرده که هر تلنگر کوچکی، آن را کامل از پا می‌اندازد. او بر این باور است که «فقیرسازی» و «ارزان‌سازی» نیروی کار، چه کارگر و چه معلم و چه پرستار، سیاست اصلی دولت‌ها در دهه‌های گذشته بوده است.

وی می‌گوید: آنچه ما می‌بینیم فقط یک روی سکه است. باید رفت و پیدا کرد که پس‌پشت این ظواهر امر چه می‌گذرد که زندگی ما به این روز افتاده‌است!

چرا می‌خواهند «نظام صدقه‌بگیری» را به جای «احقاق حق» به طبقه‌ی کارگر قالب کنند؟

ما از آن روی سکه خبر نداریم؛ یعنی نمی‌دانیم پشت همه این ماجراها و بلبشو‌ها چه اهدافی تامین می‌شود و چه دست‌های پنهانی در حال نقش‌آفرینی هستند؛ فقط این را می‌دانیم که در این شرایط بد اقتصادی، کوچک‌ترین کاری که می‌توانند انجام دهند برگزاری جلسه شورای عالی کار و ترمیم بخشی، فقط بخشی از ۹۰ درصد قدرت خرید از دست رفته‌ی کارگران است.

اما چرا این کار را نمی‌کنند؛ چرا سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از ضرورتِ «حمایت‌های اجتماعی» دفاع می‌کند و می‌گوید: حمایت‌های اجتماعی در اولویت برنامه‌های وزارت کار است و بحثی که ما هم‌اینک بیشتر از هر چیز دنبال می‌کنیم، همان حمایت‌های اجتماعی است تا افزایش دستمزد؛ چرا می‌خواهند «نظام صدقه‌بگیری» را به جای «احقاق حق» به طبقه‌ی کارگر قالب کنند؟

گزارش: نسرين هزاره مقدم

جان و نان ۲۰ هزار کارگر معادن ذغال سنگ کشور به مو بند است



بازی خطرناکی شروع شده؛ چراکه پای جان انسان‌ها در میان است. پس از مرگ ۴۳ معدنچی در زمستان یورت مسئولان وعده دادند که از این پس ایمنی معادن در سراسر کشور جدی گرفته می‌شود اما خبری از عمل به آن وعده‌ها نیست.

به گزارش خبرنگار ایلنا، چهره‌ها سیاه و مغموم‌اند تا آنجا که تنها سفیدی چشم‌ها را می‌بینی. ریه‌ها هم همین اندازه سیاه است با این تفاوت که آنها را نمی‌بینیم اما صدای خس‌خس‌شان را می‌شنویم؛ صدایی که از انسداد نایژه‌ها، نایژک‌ها و آلوئول‌ها و همه اجزای ریه‌ها برمی‌خیزد. این اجزا البته زمانی قرمز و پر از اکسیژن بودند و با هماهنگی با ضربان قلب آنها را برای انجام کار روزانه سرپا نگه می‌داشتند حالا اما قلب‌ها هم مانند ریه‌ها وضعیت بغرنجی دارند؛ چند باری می‌تپند و یک باری می‌ایستند.

اینگونه است که کارگران معادن ذغال سنگ همراه با حواس ششگانه، حس هفتمی را هم با خود حمل می‌کنند: حس خفگی. انگار که دستی دور گلویتان را گرفته باشد و فشار دهد تا مجبور به سرفه کردن شوید؛ سرفه‌هایی که اعترافی بر سال‌ها مجاهدت با دستمزد کم در دل کوه و زیرزمین است. اما چرا باید این همه سختی کشید و در اوج جوانی مو و ریش سفید کرد تا در سال‌های انتهایی زندگی، حالا چه در پیری و چه در جوانی با ریه‌هایی پر آب و قلبی رنجور سر بر بالین گذاشت؟

انگار که با دست خود جام زهری را سرکشیده باشند اما مقصر این وضعیت مجاهدان رنجور زمانه صلح یعنی کارگران ذغال سنگ نیستند؛ مقصر آنهایی هستند که با کاستن از هزینه‌های اداره معادن، ابتدایی‌ترین ملزومات کار ایمن را از کارگران خود دریغ می‌کنند؛ به امید کسب سود بیشتر با این توجیه که صنعت ذغال سنگ به‌صرفه نیست و در زمانه توسعه روزافزون زیر ساخت‌های انرژی‌های پاک، توجیه مالی ندارد.

و حالا خبر تازه‌ای هم از راه می‌رسد اینکه قرار است وضعیت بدتر از گذشته شود و کارگران بیشتری قربانی شرایط کار شوند. در روزهای گذشته «انجمن ذغال سنگ ایران» با صدور بیانیه‌ای این موضوع را اعلام کرد. بیانیه با این جملات آغاز شده است: ... در شرایط فعلی متأسفانه علاوه بر تولید؛ ایمنی معادن هم تحت تأثیر قرار گرفته است. ...

در واقع انجمن ذغال سنگ ایران به مسئله‌ای اعتراف می‌کند که سال‌هاست کارگران با آن زندگی می‌کنند و حداقل برای آنها تازگی ندارد. حادثه معدن زمستان یورت با ۴۳ قربانی در سال ۹۶، حادثه معدن ذغال سنگ طبس با ۸ قربانی در سال ۱۳۸۶، حادثه در معدن ذغال سنگ کوهبنان با ۳ قربانی و ده‌ها مجروح در سال ۱۳۹۲ و حوادثی دیگر، همگی و همگی شاهدهی بر این مدعاست. پس کاستن از هزینه‌ها قصه امروز نیست.

گزارش: پیام عابدی

به خاطر ناتوانی در پرداخت پول آب، چهل زن سرپرست خانوار بیکار شدند/چند کرکره‌ی بسته را دیدند و ملک را تجاری اعلام کردند



علی اکبر اسماعیل‌پور از قطع شدن آب مجموعه آوای ماندگار دروازه غار و بیکاری زنان شاغل در این مجموعه خبر داد. به گزارش خبرنگار ایلنا، روز گذشته ماموران اداره‌ی آب و فاضلاب سر وقت «آوای ماندگار دروازه غار» رفتند و به علت ناتوانی در پرداخت قبض آب، آب این مجموعه را قطع کردند. این در حالی‌ست که چهل زن سرپرست خانوار و در معرض آسیب، در کارگاه‌های این انجمن مدنی مشغول به کار بوده‌اند. کودکان این زنان نیز در همین مجموعه به پیش‌دبستانی و مهدکودک می‌روند.

علی اکبر اسماعیل‌پور، مدیر این مرکز، در ارتباط با این اتفاق و پیامدهای آن می‌گوید: به دلیل قطع آب کارگاه‌های حرفه‌آموزی ماندگار تعطیل شد؛ بچه‌های ۶ ساله پیش‌دبستانی تعطیل شده و به خانه‌هایشان رفتند. سوال اینجاست که مسئولیت هر گونه محرومیت از آموزش‌های فوق برای بانوان و کودکان محروم محله برعهده‌ی کیست؟ بارها پیگیری کردیم اما در نهایت، به خاطر ۳ عدد کرکره مغازه که به طرف خیابان باقیمانده است، این مرکز را تجاری اعلام کردند؛ درحالی‌که ملک متعلق به شهرداری و در اختیار ماست و سال‌ها قبل با کسب اجازه از شهرداری، مغازه‌ها را آوردیم روی ملک و به دلیل کمبود فضا، آن را تبدیل به مکان اداری و مهد آوای ماندگار کردیم و از داخل جلوی کرکره‌ها دیوار کاذب کشیدیم و فقط از بیرون کرکره نصب شده است.

«طرح تفکیک» پرده‌ی دوم از سناریوی قدرتمندان/ نه فراکسیون امید و نه اصولگرایان؛ هیچکدام مدافع کارگران نیستند

این نگرانی وجود دارد که لایحه تفکیک رفاه و تامین اجتماعی از بدنه وزارت کار، در صحن علنی خانه ملت تصویب شود و یک آشفتگی جدید، به انومی به هم ریخته‌ی بازار کار ایران افزوده شود. کارگران پشت هم اعتراض می‌کنند؛ بیانیه می‌دهند و از نمایندگانی که با رای آنها کرسی‌های مجلس را اشغال کرده‌اند، می‌خواهند که به جداسازی صندوق تامین اجتماعی «نه» بگویند؛ اما به نظر نمی‌رسد صدایشان شنیده شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «صندوق تامین اجتماعی» عهده‌دار اصلی حمایت‌های اجتماعی‌ست. کارگری که از داربست سقوط می‌کند و دچار حادثه می‌شود؛ معدن‌کاری که بعد سال‌ها جان‌کندن در اعماق زمین؛ در صفِ چندرغاز مستمری دوران بازنشستگی‌ست و آن زن بهیاری که سالهای دراز عمر را به تعویض ملحفه‌ها و لباس‌های کثیف بیماران گذرانده، امیدشان همه به همین صندوق است. صندوقی که بازیچه نزاع‌های گروهی، جناحی و حتی فردی شده و هر روز برایش خواب تازه‌ای می‌بینند.

این اعتقاد که استیضاح علی ربیعی (وزیر کار) نیز در راستای همین دندان تیزکردن‌ها برای صندوق تقریباً سرپای تامین اجتماعی بوده و تنها همین یک دلیل، نمایندگان مجلس را بر آن داشته تا شمشیرها را از رو ببندند و در نقشِ باسمه‌ای «مدافع حقوق کارگران»، استیضاح و برکناری را در دستور کار قرار دهند، چندان پُر بیراه نیست. «استیضاح» پرده‌ی اول سناریویی بود که قدرتمندان، از هر دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا، برای تصاحب «صندوق تامین اجتماعی» نوشتند و با تردستی اجرا کردند و «طرح تفکیک» پرده‌ی دوم از همین سناریوست.

نمی‌شود گفت عیبی ندارد بگذار هر کار می‌خواهند بکنند!

اینکه یک وزیر بر مسند آنچه متعلق به امورات کارگران است بنشیند یا دو وزیر، در شرایط ایده‌آل و در زمانی که چیش مهره‌های قدرت، بی‌طرفانه باشد و از آن مهم‌تر، پاسخگویی و پایبندی به اصول تا این حد کیمیا نباشد، شاید چندان توفیری برای طبقه‌ی کارگر نداشته باشد؛ اما امروز چطور؟ در شرایطی که منابع تامین اجتماعی، به شدت ارزشمند است و اگر خدای ناکرده در اثر دست‌اندازی‌ها و بی‌تدبیری‌ها، در این منابع تقلیلی صورت بگیرد یا سطح آن افت کند، مصیبتی بزرگ گریبان بیش از ۱۳ میلیون خانوار کارگری یا به عبارتی بیش از ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را خواهد گرفت، آیا باز هم می‌توان «بی‌تفاوت» نظاره‌گر بود و گفت عیبی ندارد بگذار هر کار می‌خواهند بکنند؟!

در این وانفسای اقتصادی که گرفتار افتاده‌ایم، احتمال این هست که سطح نیازمندی به خدمات حمایتی صندوق تامین اجتماعی به میزان قابل توجهی افزایش یابد. براساس برآورد بسیاری از اقتصاددانان، اگر سیاست‌های کلان اقتصادی تغییر نکند، تا چند ماه آینده، ۴۰ تا ۵۰ درصد صنایع فعال یا نیمه فعال کشور تعطیل خواهند شد و بالطبع کارگران فعال در آنها نیز به لشکر عظیم بیکاران فعلی خواهند پیوست. این بیکاران، نیازمند خدمات حداقلی بیمه بیکاری خواهند بود. به عبارتی خروجی صندوق زیاد می‌شود؛ از آن طرف، «بحران اقتصادی فراگیر» نرخ اشتغال‌زایی را به میزان قابل توجهی کاهش داده‌است؛ یعنی در آینده‌ای نزدیک، ورودی صندوق تامین اجتماعی، کاهش خواهد یافت؛ پس به همین سادگی، تامین اجتماعی با کوچک‌ترین خطای مدیریتی یا دست‌اندازی ناموجه می‌تواند دچار «بحران منابع- مصارف» شود.

در این شرایط بحرانی، نیازمند مدیریت قدرتمند و تعمیق «سیاست‌های رفاهی» هستیم؛ اگر بخواهیم معادل تاریخی بیابیم، باید بگوییم این شرایط بحرانی، دقیقاً معادل فضایی‌ست که کشورهای اروپایی، بعد از جنگ جهانی دوم تجربه کردند؛ آنها در آن دوران، «سیاست‌های کینزی» را پیش گرفتند و از انبوه بیکارشدگان و نیازمندان حمایت کردند تا مانع فروپاشی و سقوط اجتماعی شوند.

گزارش: نسرين هزاره مقدم

حداقل دستمزد کارکنان آمازون در آمریکا به ساعتی ۱۵ دلار می‌رسد

آمازون حداقل دستمزد کارکنان خود را افزایش خواهد داد .

به گزارش ایلنا به نقل از خبرگزاری رویترز، شرکت آمازون امروز سه‌شنبه اعلام کرد که دستمزد حداقلی کارکنان خود در آمریکا را از ماه آینده میلادی به ساعتی ۱۵ دلار افزایش خواهد داد. این در حالی است که قانون‌گذاران و اتحادیه‌های کارگری در پی نابرابری در پرداخت دستمزد انتقادهای بسیاری را به این شرکت وارد کرده بودند. این شرکت همچنین اعلام کرد که با واشنگتن لابی خواهد کرد تا حداقل دستمزد فدرال را افزایش دهد و از دیگر رقبای خود نیز بخواهد تا حداقل دستمزد خود را بالا ببرند.

«جف بزوس» رئیس آمازون، در این رابطه گفت: ما به نقدها گوش کردیم و درباره آنچه باید انجام شود، فکر کردیم و تصمیم گرفتیم که می‌خواهیم در این زمینه پیشگام باشیم. از این تغییر ذوق زده‌ایم و از رقبایمان نیز می‌خواهیم که با ما ملحق شوند» به گفته یک منبع نزدیک به این شرکت، پیشتر حداقل دستمزد در آمازون ساعتی ۱۱ دلار بود.

آیا به قرارداد کار ساعتی سنوات تعلق می‌گیرد؟

♦ براساس ماده ۳۹ قانون کار مزد و مزایای کارگرانی که به صورت نیمه وقت و یا کمتر از ساعات قانونی تعیین شده به کار اشتغال دارند، به نسبت ساعات کارانجام یافته محاسبه و پرداخت می‌شود و از کلیه حقوق و مزایای قانون کار به نسبت انجام کار برخوردار می‌گردند.

شوخی نکنید آقایان جهنم زیر پاهای شماست!

اینجا راحله می فروشند. سیزده ساله، بی شناسنامه، بی هویت، ناقابل! دومیلیون تومان. دو میلیون را بده، بچه را ببر، هر جا که خواستی" برادرش می گوید که حالا تنها سرپرست اوست.

اینجا پسرکی پنج ساله را می فروشند به امید رسیدن به سرپناهی. "شوهرم تصادف کرده و زمین گیر است، خودم مریضم و پول دکتر ندارم. چاره ای نداریم. هر جا رفتیم کسی کمکمان نکرد" مادرش می گوید. آگهی فروشش را گذاشته اند. ناقابل! در ازای اجاره یک خانه کوچک در شهرستان".

اینجا بچه پولدارهایی هستند، که پورشه های میلیاردی سوار می شوند. برای پارتی های آخر شب شان خاویار سرو می کنند، و برای دسرشان، شیرینی و بستنی با روکش طلا سفارش می دهند. ناقابل! دو میلیون تومان.

اینجا بیمارستانهایی دارد شبیه به وال استریت. بازاری برای خرید و فروش بچه. زنهایی می آیند. کودکان را به دنیا می آورند، برگه ای را امضا می کنند و بچه را می فروشند. ناقابل! بین پانصد هزار تا یک و نیم میلیون تومان.

اینجا بازارهایی دارد برای خرید و فروش حیوان. آدمهایی می آیند تا برای سرگرمی روزانه شان، پول خرج کنند. حیواناتی از هر نوع و هر نژاد. ناقابل! از صد هزار تا سی میلیون تومان.

اینجا کودکانی دارد که آموزش می بینند. نه در مدرسه که در خیابان. آموزش می بینند که از طلوع صبح تا بوق سگ برای اربابشان کار کنند. کارگرانی که اگر خوب کار کنند، قیمت شان بیشتر می شود. قیمت این کودکان برده، ناقابل! از صد هزار تا پنج میلیون تومان.

اینجا دانش آموزانی هستند که تعطیلات آخر هفته شان مسافرت های اروپایی است. خجالت می کشند که همکلاسی هایشان بفهمند برای تعطیلات عید به مالزی رفته اند. شهریه این مدارس، ناقابل! بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان در سال.

اینجا آدمهایی هستند که در گور می خوابند. در ساختمانهای مخروبه می خوابند. در میان لوله های فاضلاب می خوابند. تا از سوز سرمای زمستان در امان باشند.

اینجا مسنولینی هستند که گورخوابها را جمع می کنند و به گوشه خیابان می فرستند. مسئله شان را حل می کنند. در سرما گوشه خیابانها یخ می زنند و می میرند. بدتر از آنها، اینجا قلم بدستانی داریم که سر شان را بالا می گیرند، باد به غیغ شان می اندازند و با بی سوادى تمام می گویند: "شاید گورخوابها خودشان مقصر باشند".

اینجا آقا زاده هایی هستند که آب معدنی های مارک دار نروژی می نوشند. ناقابل! لیتری شصت هزار تومان.

اینجا کارگرانی هستند، که از صبح تا به شب، آویزان در میان زمین و هوا، بر روی داربست ها، با جانشان بازی می کنند، ناقابل! فقط برای چهل هزار تومان.

اینجا بچه پولدارهایی هستند که پول توجیبی ماهانه شان کفاف خرج شان را نمی دهد و معترض اند. ناقابل! ماهانه بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان.

اینجا معلمان بازنشسته ای هستند که پول بازنشستگی کفاف زندگی شان را نمی دهد. پس از شب تا به صبح نگرهبانی می دهند. ناقابل! فقط برای ماهانه ششصد هزار تومان.

اینجا همه، از مسنول و کارشناس و روشنفکر و دانشگاهی و قلم بدست، هر روز اندرز می دهند و شما را می ترسانند. از فقر و بدبختی، از روند رو به افزایش شکاف طبقاتی. و به شما هشدار می دهند، که ادامه آن، آتشی به پا می کند و همه را می سوزاند.

اینجاست که باید سر را بالا گرفت، چشم در چشمشان دوخت و با لبخندی بر لب چنین گفت:

شوخی نکنید آقایان ! جهنم همین جاست. همین لحظه، همین اکنون. ناقابل! درست زیر پاهایمان."

دختری که سازمان ملل را به گریه انداخت!

(روایت دختری از سرزمین مسلمانان و گروهی که با تفسیر هولناک از قواعد اسلامی، سایر مسلمانان را استثمار می کنند)

متن سخنرانی نادیه مراد، "دختری که سه سال تمام غنیمتی داعش بود". او جایزه صلح نوبل را گرفته است، از واژه واژه اش خون می چکد.

نام شان داعش بود، آمده بودند ما را به جهنم ببرند و خود شان سر راه به بهشت بروند! دعوت نامه شان در دست چپ شان بود و با انگشت شهادتین دست راست، آسمان را نشان می دادند!

مادرم برای سکس شرعی بسیار پیر بود و طعم حوریان بهشتی را نمی داد، او را کشتند، خواهر کوچکم را همچون بره ای تازه نگه داشتند. او باکره بود! همچون مریم، کمی معصوم تر، کمی کردتر، همچون آب زلال!

خواهرم باید زن امیرالاکبر می شد!

خدا شاهد بود، ما تفنگ نداشتیم، سرود "خواهیه وه ته ن" می خواندیم!

خدا شاهد بود ما گلدان ها را آب می دادیم، گلها را گل می دادیم!

خدا شاهد بود آمدند پدرم را به دو قسمت نامساوی تقسیم کردند؛ سرش را برای وطن جا گذاشتند و بدنش را زیر خاک دفن کردند که نفت شود!

خدا شاهد بود برادر کوچکم را لخت زیر آفتاب نگه داشتند و به او شهادتین یاد می دادند؛ باید می گفت الله بزرگتر است!

خدا شاهد بود او از فرط عطش و بی آبی جان داد!

خدا شاهد بود سیاه بودند، مردانی از سرزمین حجر و آتش و ما زبان شان را نمی فهمیدیم، اما رفتار شان را!... مردانی با ریش های بلند، مغزهای کوتاه، باورهای سخت! نام شان عقرب، ملخ، سوسمار بود! لشکری از لجن و پشم و اعتقاد! آن ها آمدند، آرزوهای من را کشتند، آن ها من را غنیمت صدا می زدند!

آن زمان دیگر نادیا نبودم، آن روز دختری بودم با روحی زخمی که از نفس هایم خون می چکید، آن روز هیولای ظریفی بودم که با جهان قطع رابطه کرده بودم، در من انسان مرده بود و لاشه ای بودم که حتی مومیایی هزار ساله اش ارزش نداشت، آن روز مرگی بودم در روحی!

بعد از آن زنی می مرد، زنی حامله می شد، زنی خودکشی می کرد، زنی خودسوزی... زنی هزار رکعت نماز جبر می خواند! بعد از آن زنانی، از رنج حامله شده بودند، زنانی فقط یک تقویم می شناختند: روز اول تجاوز، روزهای بعد از آن عذاب! بعد از آن، تاریخ به دو دوره تقسیم شد: قبل از فاجعه ی سیاه - بعد از فاجعه ی سیاه!

بعد از آن زنان فقط یک خیابان را سر راست بلد بودند، خیابان منتهی به بیمارستان بیماران روانی! بعد از آن زنان فقط یک آواز می خواندند: "ای مرگ کجایی؟ زندگی مرا کشت."

بعد از آن زنان تابوت بودند و کودکان در شکم شان مردگان هزار ساله! بعد از آن زنان مجسمه ای بودند که وسط شهر برای عبرت تاریخ نصب شده بودند!

آن روز هوا گرم بود، خدا شاهد بود، مردی آمد، من را کشت و باز دعا می خواند تا دوباره زنده شوم!

ارسالی از: رزا انصاری

دختران مجرد، مشمول بیمه زنان خانه دار شدند

دختران مجرد، مشمول بیمه زنان خانه دار شدند. از ویژگی‌های خاص بیمه زنان خانه دار امکان انتخاب نرخ پرداخت حق بیمه و دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه است.

به گزارش ایلنا، مشمولین قانون بیمه زنان خانه دار، تمامی زنان ۱۸ تا ۵۰ ساله هستند و در مورد افراد بالای ۵۰ سال نیز میزان سابقه بیمه‌پردازی قبلی به حداکثر سن مورد نظر اضافه می‌شود.

از دیگر ویژگی‌های خاص بیمه زنان خانه دار امکان انتخاب نرخ پرداخت حق بیمه و دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه است. متقاضیانی که کمتر از ۵ سال دارای سابقه پرداخت حق بیمه هستند می‌توانند دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه خود را بین حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار تا حداکثر دستمزد مصوب انتخاب کنند. در سال جاری حداقل دستمزد روزانه مبنای پرداخت حق بیمه معادل ۳۷۰ هزار و ۴۲۳ ریال و حداکثر آن نیز ۷ برابر حداقل دستمزد است. نرخ پرداخت حق بیمه زنان خانه دار برای برخورداری از حمایت‌های بازنشستگی ۱۴ درصد؛ بازنشستگی و فوت (پرداخت مستمری به بازماندگان واجد شرایط) ۱۶ درصد و بازنشستگی، فوت و از کار افتادگی ۲۰ درصد است. ضمناً ۲ درصد از نرخ‌های مذکور سهم دولت است.

انتخابی بودن استفاده از خدمات درمانی از دیگر مزایای طرح بیمه زنان خانه دار است. به عبارت دیگر در صورتی که زنان متقاضی استفاده از این نوع بیمه تحت تکفل پدر، مادر یا همسر خود بوده و از این طریق از مزایای درمانی سازمان تأمین اجتماعی برخوردار باشند، نیازی به پرداخت سرانه درمان نمی‌باشد و در غیر این صورت می‌توانند با پرداخت سرانه درمان مصوب از خدمات درمانی سازمان تأمین اجتماعی نیز برخوردار شوند.

حق سرانه درمان هر سال به تصویب هیأت وزیران می‌رسد و در سال جاری ۴۴ هزار تومان برای هر نفر تعیین شده است.

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

ترس از فردا

دوستان چند مدتی است که اوضاع بازار بهم خورده. هیچکس نمی داند چکار کند. و فردا چه خواهد شد و چه کسانی پشت این ماجرا هستند. مادرم که از گذشته و گرسنگی و گرانی خاطره بدی دارد. هر روز بمن می گوید: «برو یک گونی آرد و مقداری وسایل بخر و بیار بزاریم خونه» «آجیلی قیش قاباخذان گنلیر» زمستان گرسنگی در پیش است.

شما هم دو تا دختر داری. اگر خدا نکرده اوضاع قاطی شود. حداقل نان خالی در خونه داشته باشیم. شما گرسنگی و گرانی را ندیده اید. ملک و ناموس مردم در گرانی لطمه خورد. خیلی ها مردند. «الله آپارسین گنتیرمسین» خدا ببرد و نیاورد.

هی گفتم بخر بخر خریدی چند برابر شد. معلوم نیست قدرت دست کی هست نشسته پشت فرمان هر کجا دوست داره می راند. کازیم گفته باشم. الان اون زمان نیست ها. اگر شلوغ شود کسی بکسی رحم نمی کند. برادر برادر را می کشد. بما گفته بودند در اسلام اگر کسی دزدی کند دستهایش را می برند، کو؟؟ هر روز در اخبار می گویند فلانی نمی دانم میلیارد و میلیون چقدره برداشت فرار کرد. این همه پول را در کجایش برد. یک تریلی پول می شود

«آماندی بالا هش یرده دنمه ها» خطرناک پسر من این حرفا رو جایی نگی

گفتم: ننه سیاستمدار شده ای. این حرفها را از کجا شنیده ای؟؟

گفت: «شوشکی نکن. خاتا ایله دیم بیر سوز دندیم ها» شوخی نکن خطا کردم یه حرفی زدم!!!!

گفتم: ننه اولن من پول ندارم این همه وسایل که می گی بخرم دومن: اگر اوضاع درست شود مسئله نیست چند روز تحمل می کنیم.

«هامی نجه بیزده بیبری» همه چطوری ما هم یکی مثل آنها اگر درست نشود. اونهایی که وسایل در خانه یشان جمع کرده اند که باعث گرانی شده اند. اونها چند روز از ما بیشتر

زنده می مانند. همین والا نمی شه مایحتاج زندگی را در خونه جمع کرد. باید اوضاع برای همگان درست شود.

خیلی ها از ساده بودن مردم سواستفاده می کنند. نوعی قمار است این وضع. بعضی می بازند، بعضی ها می برند. در آخر طبقه پایین بازنده است.

درد دل یک خانم کارمند که برای دکتر کار می کرد

در دنیا خیلی شغل وجود دارد اما دکتر منظورم پزشک و معلم خیلی بالاتر و با شرفترین شغلهاست. هر وقت یک حرکت یا کار ناخوشایند. از یک پزشک یا معلم می شنویم. خیلی ناراحت می شویم و تعجب می کنیم.

در عجبشیر تعدادی پزشک وجود دارد یک عده ایشان از شهرستانهای دیگری آمده اند. و چند نفرشان بومی هستند دکتر مجید دهقان، شغلش از خودش، و خودش از شغلش بهتر و با ارزشمندتر است. ما به وجود ایشان افتخار می کنیم. و دکترهای دیگر شهرمان دکتر مداین. حمیدی. شاطری. فرجی. شکاری. آفاقی. رهبری. محمدی. ضیایی. نجفی. ممقانی. بهشتی. و.....

دیروز جریانی از یک دکتر دندان پزشک شنیدم. شب از ناراحتی نتونستم بخوابم.

خانمی مدتی برایشان کار می کرده برای دستمزدش لباسهای کهنه و غذاهای پس مانده ای می داده.

خانم دیگری برایش کار دیگری پیدا می کند که با مزد نستان خوب بریم کار کنیم.

آقا دکتر اجازه نمی داد برده اش برود جای دیگری کار کند.؟؟!!

از من خواستند اسمشان را نیز بنویسم. اما چنین نکردم.



Iranian Labour News Agency

زنان شاغل از مشکلاتشان در محیط کار می‌گویند:

وقتی زنان در برخورد با مردان بلامتکلیف می‌شوند

یکی از مشکلات زنان در محیط کار “برخورد دو پهلوی همکاران و مدیران مرد با آنهاست. به گفته بسیاری به خصوص در روزهای اولی که سر کار می‌روند از آنجایی که همکاران را نمی‌شناسند دقیق نمی‌دانند چطور برخورد کنند.

آزاده که بیشتر در شهرک‌های صنعتی و با همکاران مرد سروکار دارد با توضیح شرایطش برای تصمیم‌گیری در برخورد با همکاران مرد می‌گوید از طرفی باید در محیط کار “خوش‌برخورد” باشد تا بتواند همکاری کند از طرفی نگران سوء استفاده همکاران مرد است.

سمانه که به دلیل رفتارهای دوپهلوی کارفرما از یک آزمایشگاه کالیراسیون بیرون آمده می‌گوید «یک دلیل اینکه من آنجا نماندم حرف‌های دو پهلوی مدیر بود که نمی‌دانستم باید چطور معنیشان کنم؛ مثلاً می‌گفت: خوشم نمی‌آید هر روز برید بیایید و فقط کار کنید؛ باید بیایید به من سلام بگویید و موقع رفتن حتماً تک به تک به اتاقم بیایید و از من خداحافظی کنید. به من می‌گفت: وسط روز به بهانه کار بیا اتاقم و بنشین با من حرف بزن یا گیر می‌داد که تو چرا حال من را نمی‌پرسی؟ چرا فقط می‌روی پشت میز می‌نشینی؟ می‌گفت: صبح‌ها نیم ساعت زودتر بیا عصرها نیم ساعت دیرتر برو، می‌گفت: بیا به من بگو بقیه چکار می‌کنند، چه می‌گویند و از این جور حرفها. آخر هم وقتی دید من اه‌لش نیستم عذرم را خواست و یک چک قد روزهایی که آنجا بودم، نوشت و به من داد.»

پارمیدا ۲۳ ساله که طراح سازه یک شرکت خصوصی است از تجربه خودش در این زمینه می‌گوید «یک بار وقتی داشتم اسپیلت اتاق رو روشن می‌کردم مدیرم گفت: “لاغر شدی ها!” و با اینکه رابطه احترام آمیز و خوبی بین کارمندا و مدیرمان وجود دارد، اما فکر کردم خوب نیست یک مرد در مورد چاق و لاغر شدن به خانم نظر بدهد.»

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

محیط کاری فارغ از آزار و اذیت و تهدید و ارباب مطلوب مردان و بویژه زنان است!

سندیکاهای کارگری حق زنان را برای کسب حقوق برابر در محیط های کاری به عنوان اصلی ترین حق زنان کارگر به رسمیت می شناسند!

برابری برای زنان و مردان کارگر ، این است شعار سندیکاهای کارگری

ایمنی در کار، یعنی کیفیت دستمزد

تعریف حادثه در قوانین تامین اجتماعی به معنای اتفاقی پیش بینی نشده است. در بند سوم این قوانین در رابطه با مدارک مورد نیاز در مورد بررسی حوادث ساختمانی و کارگاهی اتباع بیگانه می خوانیم: «جهت بررسی حوادث اتباع بیگانه علاوه بر اخذ مدارک مذکور در فصل اول مجوز اشتغال بکار فرد حادثه دیده نیز اخذ خواهد شد و می بایست اطلاعات مندرج در آن (نوع کار، محل اشتغال و مدت اعتبار پروانه کار) در بررسی حادثه مدنظر قرار گیرد. در صورت عدم انطباق وضعیت اشتغال به کار فرد حادثه دیده با مجوز اشتغال به کار موضوع بررسی حادثه منتفی خواهد بود.

و بدین سان سالانه بیش از هزار کارگر قربانی ناشی از حوادث کار داریم که به عنوان حادثه ی کار ثبت می شوند و هزاران مورد قربانی ثبت نشده داریم چرا که بخشی از کارگران از شمول قانون کار مستثنی شده و اساسا بیمه نیستند تا قانون حوادث کار آنان را به رسمیت بشناسد و ده ها هزار آسیب دیده که زندگی شان برای همیشه قربانی حوادث کار شده است.

اگر حوادث محیط کار جنایت علیه کارگران تلقی شده و کارفرمایان و مدیران متخلف به این اتهام محاکمه شوند. اگر اثبات قصور کارگران در حوادث، از روند رسیدگی حذف شود. اگر وقوع حادثه در محیط کار برای تشکیل پرونده و رسیدگی فوری و جبران خسارات وارده، کافی باشد و داشتن یا نداشتن بیمه و ایرانی یا مهاجر بودن، ملاکی برای رسیدگی و جبران خسارت نگردد می توان روزنه ی امیدی به آینده داشت.

مبانی اقتصاد سیاسی نوشته نیکی تین (۳۲)

✓ تولید کالایی ساده یعنی تولید فرآورده‌ها به منظور مبادله، که بر اساس مالکیت خصوصی وسایل تولید و کار شخصی مبتنی بود، رفته رفته توسعه می‌یافت. تولیدکنندگان کالا خود را درگیر تلاشی رقابت‌آمیز و سخت یافتند. تلاشی که هم در شهر و هم در روستا منجر به تجزیه‌ی آنان به غنی و فقیر گردید.

✓ نظام سرمایه داری از طریق دیگری هم تکامل حاصل کرد: سرمایه تجاری چون به وسیله‌ی تجار به میدان آورده شد، مستقیم شروع به کنترل تولید دهقانان و پیشه‌وران کرد. سرمایه تجاری نخست به عنوان واسطه‌ای در مبادله‌ی کالاهای تولیدکنندگان جزء را تامین کرده و به آن‌ها پول پیش می‌پرداخت، خرید منظم کالاها را از آنان شروع کردند، و به این ترتیب تولیدکنندگان جزء از نظر اقتصادی وابسته بازرگانان شدند. گام دیگری که به وسیله‌ی سرمایه‌ی تجارتی برداشته شد، گردآوردن پیشه‌وران پراکنده بود در زیر یک سقف، در یک کارگاه، که به عنوان کارگران مزدور در آن جا کار می‌کردند. به این ترتیب سرمایه‌ی تجاری به سرمایه‌ی صنعتی و بازرگان به سرمایه‌دار صنعتی تبدیل شد. سرمایه داری در حومه‌ی شهر نیز در حال رشد بود.

✓ دهقانان از این پس به جای پرداخت جنسی به اربابان زمین نقدن پرداخت می‌کرد. تکامل روابط پولی، تجزیه و تفکیک دهقانان را به بورژوازی روستایی و دهقانان تهیدست تسریع نمود و جلو انداخت. در بطن نظام زمینداری، تولید سرمایه داری هم در شهر و هم در روستا به وجود آمد و اضمحلال زمینداری به صورت یک ضرورت تاریخی در آمد.

✓ سراسر تاریخ نظام زمینداری، نوعی مبارزه تلخ طبقاتی بین دهقانان و اشراف فئودال بود. این مبارزه مخصوصن در اواخر دوران مزبور حدت و شدت بیشتری یافت. شورش‌های دهقانی پایه‌های نظام فئودالی را متزلزل ساخت و منجر به نابودی نهایی این نظام گردید. بورژوازی رهبری مبارزه‌ی ضد فئودالی را به دست گرفت و از طغیان‌های سرف‌ها علیه اشراف زمیندار، برای ربودن قدرت و تبدیل شدن به طبقه حاکم، بهره برداری کرد.

پیدایش و تکامل حیات (۱۹)

□○ سلول

✓ مرحله ویروس مانند، هنوز مرحله ظهور جانداران حقیقی نبود، درست به همان گونه که ویروس های کنونی در حد واسط میان جانداران و مواد بی جان قرار دارند. روش توده شدن مولکول ها که سبب پیدایش ویروس مانندها شد، ممکن است موجب ظهور جانداران حقیقی نیز شده باشد. نخستین ویروس مانندها، عبارت بودند از توده‌ی مولکول های نوکلئوپروتئینی که در قشر نازکی از پروتئین محصور بودند.

احتمال دارد که جاندار حقیقی در نتیجه‌ی جمع شدن مواد دیگری، علاوه بر پروتئین ها، به دور هسته‌ی نوکلئوپروتئینی ظاهر شده باشند. حتا ممکن است که بعضی از توده‌ها موفق شده باشند که خود را در لایه‌ی ضخیم تری مرکب از مواد غذایی گوناگون کانی و آلی همراه مقداری آب محصور سازند.

نخستین سلول ممکن است بدین روش تکوین یافته باشد: " هر سلول قطره‌ای میکروسکپی مرکب از مواد گوناگون موجود در اقیانوس اولیه بود که پرده‌ی نازکی آن را از خارج محدود می کرد و یک یا چند توده‌ی ملکولی نوکلئوپروتئین در میان داشت." بدیهی است که این سلول ها همه‌ی خواص ویروس مانندها را داشتند، یعنی می توانستند مواد خام را از اقیانوس بگیرند و به خاطر نوکلئوپروتئین خود تولیدمثل کنند، جهش یابند و تکامل کنند.

اما قرار داشتن مواد شیمیایی گوناگون در اطراف توده‌ی نوکلئوپروتئینی می بایست قاعدتن خواص تازه‌ای در آن ها به وجود آورده باشند. مجموع این خواص، چه نو، چه کهنه، در یک قطره میکروسکپی متمرکز شد و چیزی به ظهور رسانید که به نام "جاندار" می شناسیم.

بدین روش و با پیدایش نخستین سلول ها، متجاوز از سه میلیارد سال پیش، مرز میان جاندار و بی جان پشت سر گذاشته شد، و از آن پس زمین صاحب موجوداتی شد که به راستی زنده بودند. این ها موجودات زنده‌ی تک سلولی بودند. اکنون باید دید که خواص تازه‌ی این موجودات تک سلولی چه بوده است، یکی از این خواص، که اهمیت قاطعی بر

سایر خواص داشت، فرایند تخمیر ۱ (تنفس بی‌هوازی) بود. بدین معنی که سلول می‌توانست بخشی از غذاهای درون خود را به منزله‌ی منبع انرژی به کار برد.

✓ چنان‌که می‌دانیم وقتی که دو ملکول A و B با هم ترکیب شوند تا مولکول سومی (B-A) به وجود آورند، دست‌کم یک اتم ملکول A به یک اتم ملکول B متصل می‌شود. این اتصال، دو ملکول A و B را به صورت ملکول بزرگتر (B-A) در می‌آورد. برای وقوع چنین واکنشی، مقداری انرژی از خارج لازم است، بدین صورت: $(B-A) + A+B$

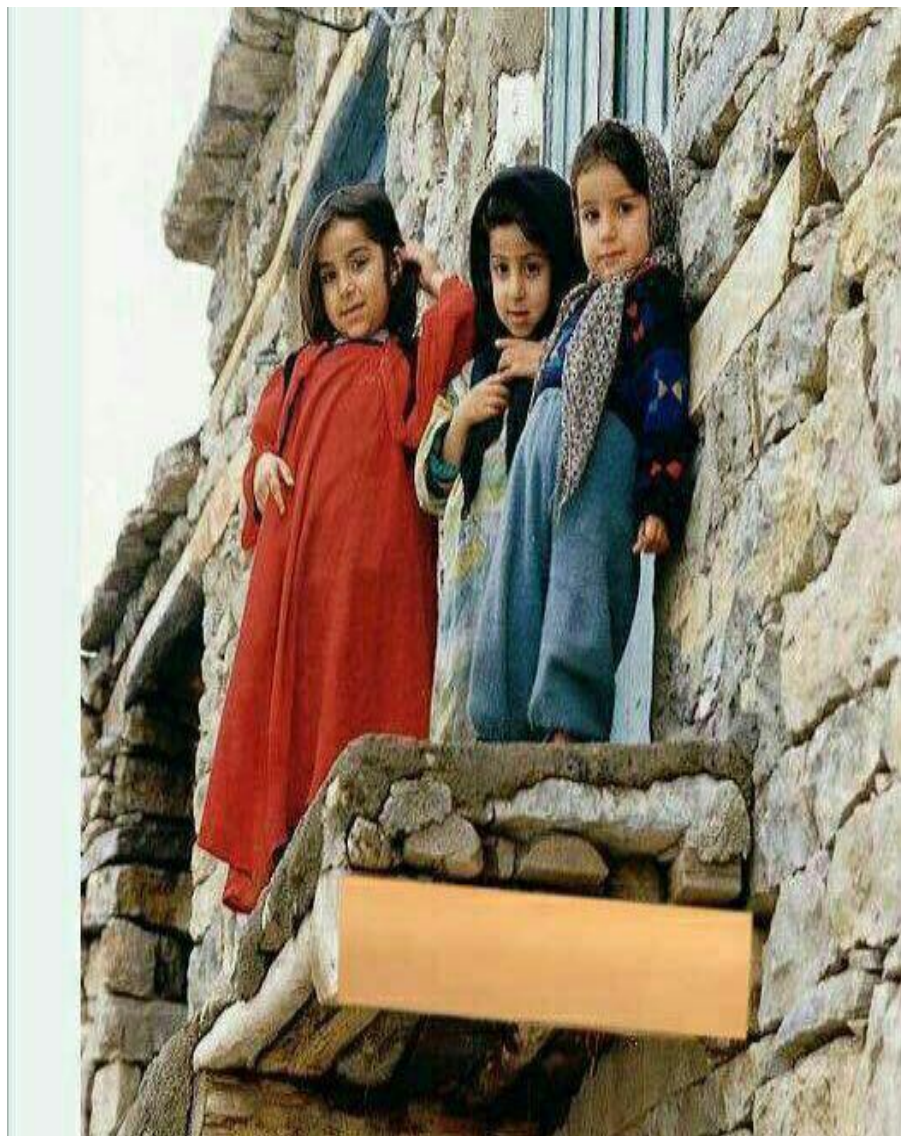
✓ وقتی که ملکول بزرگی به دو ملکول کوچکتر تجزیه می‌شود، دست‌کم یک اتصال گسیخته می‌شود و انرژی آن آزاد می‌گردد: انرژی (B-A) $+ A + B$

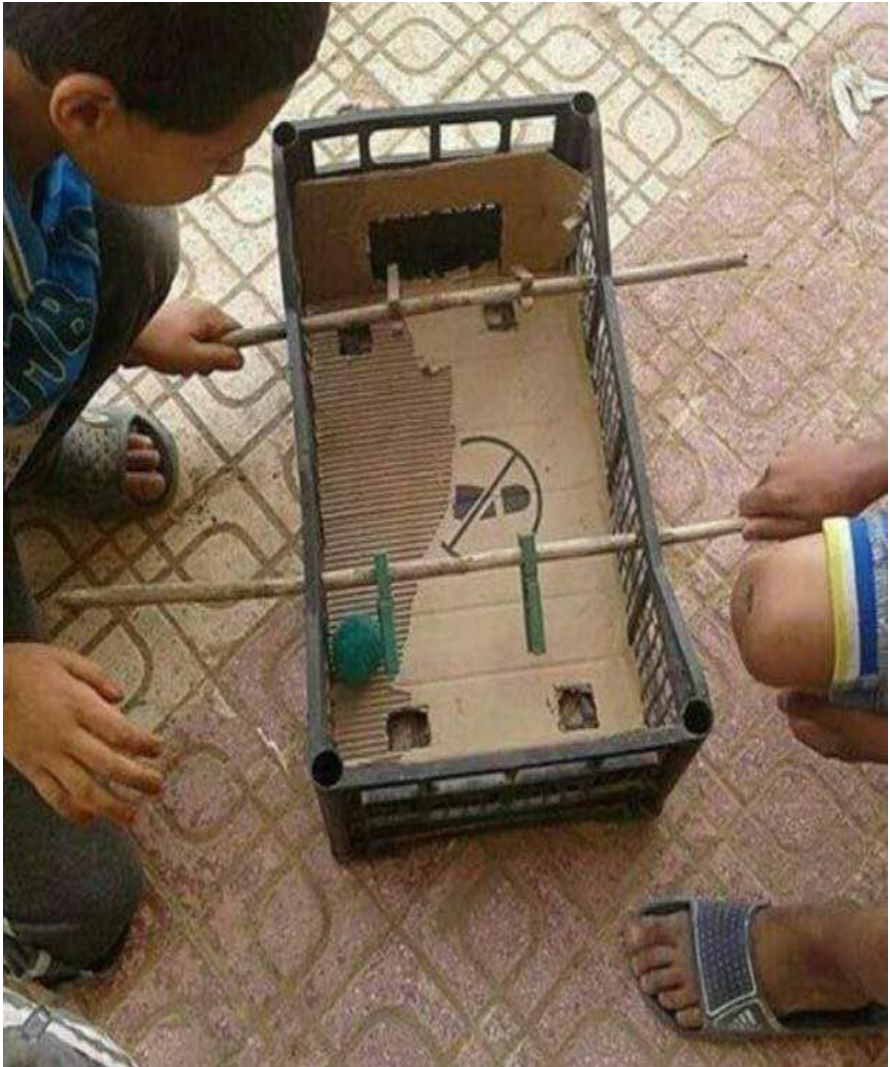
✓ اگر اوضاع مناسبی در حول این تجزیه فراهم باشد، انرژی آزاد شده از گسیختن اتصال، ممکن است به کار ترکیب جدیدی بپیاید. این چیزی است که در بدن موجودات زنده همواره روی می‌دهد بنابراین در نتیجه‌ی تجزیه یک ملکول به گروه‌های اتمی کوچکتر یا حتی با اتم‌های آزاد، مقداری از انرژی شیمیایی مولکول آزاد می‌گردد. مولکول‌های آلی، بخصوص، منابع سرشاری از انرژی شیمیایی هستند و این‌گونه مواد از اجزای سازنده سلول‌ها بوده‌اند. تجزیه‌ی شیمیایی مواد غذایی درون سلول ممکن است به تخمیر انجامیده باشد و سلول‌ها توانسته باشند از آن راه انرژی به دست آورند.

✓ یکی از محصولات تخمیری کربن‌دی‌اکسید CO_2 بود و در حال حاضر نیز تخمیر چنین محصولی دارد. با آغاز شدن فرایند تخمیر، کربن‌دی‌اکسید بیشتری تولید شد و در آب اقیانوس وارد گشت. بخشی از کربن دی‌اکسید در آب اقیانوس حل شد و بقیه وارد اتمسفر شد. حاصل آن که گازی در اتمسفر شروع به جمع شدن کرد، که قبلاً به مقدار قابل‌ی در آن موجود نبود. چنان‌که می‌بینیم از طریق فعالیت‌های زیستی، اوضاع فیزیکی زمین شروع به تغییر کردن نمود. کربن‌دی‌اکسید موجود در اتمسفر، مانعی برای رسیدن اشعه‌ی پرانرژی خورشید به سطح زمین است. تجمع تدریجی این گاز در اتمسفر اولیه سبب شد که از رسیدن بعضی از اشعه‌ی پرانرژی خورشید به سطح زمین ممانعت به عمل آید.

✓ چنان‌که خواهیم دید، وجود کربن دی‌اکسید در محیط، خود به روش دیگری سبب رشد و تکامل بعدی ماده‌ی زنده شد.

وضعیت کودکان هر کشوری نشان دهنده دمکراتیک بودن یا نبودن جامعه و وضعیت مناسب سیاسی هر کشوری است.





بازی نقش مهمی در شخصیت هر کودک ایفا می کند.
جامعه ای که به کودکانش به جای بازی هر چیز دیگری را
تحمیل کند خود را به نابودی کشانده است.